University of
Sistan and Baluchestan

Journal of Historical Researches of Iran and Islam

Print ISSN: 2345-2099
Online ISSN: 2717-2953

Reflection of the idea of Monarchy and Religion on the Coins of the Qajarid period

Siavash Amraee[1] **Jahanbakhah Savagheb** [2]
Sahmdin Khazaei, [3] **Shahab Shahidani** [4]

1. Ph.D. student of Iranian history, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran. E-mail: amraee.si@fh.lu.ac.ir
2. (Corresponding author) Professor of History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran. E-mail: jahan_savagheb@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran. Email: Khazaei.a@lu.ac.ir
4. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran Email: Shahidani.sh@lu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 13Sept 2021
Received in revised form:22Janu2022
Accepted: 26Mar2022
Publishedonline:5May 2022

Keywords:
Qajar coins,
Iranian princes,
Qajar period,
The idea of monarchy,
Religious thought.

ABSTRACT

As a part of the identity of the society, the coin is a reflection of the political and religious thought and tendency of the Iranian princes. The writing on the coins is mostly in the two categories of religious rites and titles related to the kingdom and monarchy. This function changed dramatically during the Qatari period. Sometimes religious rites increased on the coins and sometimes phrases in the introduction of the glory of the kingdom increased. This research uses a comparative method and library research to compare and analyze the writing on Qatari coins, with the aim of explaining the reflection of the idea of monarchy and religion through these coins, and seeks to answer the question that the policy of Qajar kings in balancing religious and political writing How was it on the coins? The research shows that the written changes on the coins of the Qatari period were influenced by the personal preferences of the Qajar kings, the lack of unity among the ulema, their identification inspired by the kings of ancient Iran and new technology and relations with the West. The results of the graph show that religious rites from the beginning to the end of the Qatari period had a decreasing trend and the titles related to the monarchy from the formation of their government to the period of Nasser al-Din Shah had an upward trend and after him a decreasing trend.

Cite this article: savagheb ,Jahanbakhah & Amraee, Siavash& Khazaei, Sahmdin& Shahidani, Shahab (2022) **Reflection of the idea of Monarchy and Religion in the Coins of the Qajarid period.**Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16, No30, Page73-112. **DOI: 10.22111/JHR.2021.38006.3108**

© The Author(s). Siavash Amraee & Jahanbakhah savagheb & Sahmdin Khazaei, & Shahab Shahidani,;
Publisher: University of Sistan and Baluchestan
DOI: **10.22111/JHR.2021.38006.3108**

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام

شاپا چاپی: ۲۳٤٥-۲۰۹۹
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹٥۳

بازتاب اندیشه شهریاری و مذهب بر سکه‌های دوره قاجاریه

سیاوش امرایی [۱] جهانبخش ثواقب [۲] سهم‌الدین خزائی [۳] شهاب شهیدانی [٤]

[۱] – دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران amraee.si@fh.lu.ac.ir

[۲]– (نویسنده مسئول) استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران Savagheb.j@lu.ac.ir

[۳]– استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران Khazaei.a@lu.ac.ir

[۴]– استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران Shahidani.sh@lu.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۲
تاریخ بازنگری:۱۴۰۰/۱۱/۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۲/۱۵

واژه‌های کلیدی:
سکه های قاجار،
شاهزادگان ایرانی،
دوران قاجار،
ایده سلطنت،
اندیشه دینی.

چکیده

سکه به‌عنوان بخشی از هویت جامعه، بازتابی از اندیشه و گرایش سیاسی و مذهبی شهریاران ایرانی است. نوشتار روی سکه‌ها بیشتر در دو مقوله شعائر مذهبی و القاب و عناوین مرتبط با پادشاهی و سلطنت در کانون توجه پادشاهان قرارگرفته است. این کارکرد در طول دوره قاجاریه به شکل چشمگیری دچار تغییر و دگرگونی شد. گاه شعائر مذهبی روی سکه‌ها فزونی پیدا کرد و گاه عباراتی در معرفی شکوه پادشاهی افزایش یافت. این پژوهش به روش تطبیقی و پژوهش کتابخانه‌ای به مقایسه و تحلیل نوشتار روی سکه‌های قاجاریه، به هدف تبیین بازتاب اندیشه پادشاهی و مذهب از طریق این مسکوکات، پرداخته و درصدد پاسخ به این پرسش است که سیاست شاهان قاجار در توازن نوشتار مذهبی و سیاسی روی سکه‌ها چگونه بوده‌است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تغییرات نوشتاری روی سکه‌های دوره قاجاریه تحت‌تأثیر تمایلات شخصی شاهان قاجار، نبود وحدت میان علما، هویت‌سازی آن‌ها با الهام از شاهان ایران باستان و فن‌آوری جدید و ارتباطات با غرب بوده‌است. نتایج نموداری مشخص نموده که شعائر مذهبی از ابتدا تا پایان دوره قاجاریه روندی کاهشی و عناوین مرتبط با سلطنت از شکل‌گیری حکومت آن‌ها تا دوره ناصرالدین‌شاه سیر صعودی و پس از او روند کاهشی داشته‌است.

استناد: ثواقب ،جهانبخش و امرایی، سیاوش ؛خزائی، سهم‌الدین ؛ شهیدانی، شهاب ، **(۱٤۰۱). بازتاب اندیشه شهریاری و مذهب در سکه‌های دوره قاجاریه، مجله پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱٤۰۱، دوره ۱٦، شماره ۱ – شماره پیاپی ۳۰،ص. ۱۱۲-۷۳.**

DOI. **10.22111/JHR.2021.38006.3108**

© نویسندگان. سیاوش امرایی و جهانبخش ثواقب وسهم‌الدین خزائی و شهیدانی، شهاب
ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

سکه‌ها بخشی از میراث ماندگار حکومت‌های گذشته است که مطالعه ابعاد گوناگون آن‌ها پرسش‌های بسیاری از اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع گذشته را روشن می‌کند. اهمیت خاص ضرابخانه برای حاکمیت و مردم در طول تاریخ مدنظر پادشاهان بوده‌است. رئیس ضرابخانه در حکومت‌های مختلف حاکم بر ایران جایگاه و اهمیت ویژه‌ای به‌عنوان یکی از ارکان مالی دولت دارا بوده‌است. نوشتار روی سکه‌ها نیز برای بیننده‌ها یعنی مردم از حساسیت و ارزشمندی ویژه‌ای برخوردار بوده‌است؛ بنابراین کمیت و چگونگی ضرب مسکوکات در هر دوره‌ای بیانگر ثبات و آرامش و یا نبود آرامش اوضاع کشور از جوانب متعدد بوده‌است. از سویی، نوشتار و برخی تصاویر روی سکه‌ها بیان‌کننده دیدگاه و اندیشه سیاسی، مذهبی و اقتصادی رایج در جامعه بوده‌است. با پذیرش اینکه دولت متولی ضرابخانه بوده و انتصاب رئیس آن از سوی دولت مرکزی صورت می‌گرفت؛ تحولات سیاسی و مذهبی در ضرابخانه‌ها و کارکرد آن‌ها در دگرگونی و تحولات روی مسکوکات، با سه فرض ممکن قابل تحقق بود. نخست ادامه رویه گذشته؛ دوم، انحراف و دگرگونی روش‌های پیشین و سوم، اتخاذ شیوه و روشی نو بر پایه اندیشه‌های جدید. چنانچه تنها نوشتار روی سکه‌ها از دو دیدگاه سیاسی و مذهبی مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد، بخش جدایی‌ناپذیر هر سکه، ضرب نام ضرب‌کننده یا همان پادشاه است که در پی آن القاب و عناوین یا ادعاهایی درباره تبار گذشته و نقش‌آفرینی‌های مهم او بر روی سکه‌ها بازتاب می‌یافت. بخش دیگر، نوشتاری است که می‌توان تحت عنوان شعائر مذهبی از آن یاد کرد و در آن نشانه‌های توجه شاه به کلیت مذهب، اهتمام بیشتر به بخشی از مذهب و یا نگاه منفعلانه به آن بازتاب یافته است.

هدف این پژوهش بررسی دگرگونی و تحولات نوشتار و تصاویر روی سکه‌های دوره قاجاریه و چگونگی بازتاب دیدگاه شاهان این سلسله، در ارتباط با مقوله‌های پادشاهی و مذهب بر روی سکه‌های این دوره است. فرضیه پژوهش این است که شاهان قاجار به‌دلیل نداشتن پایگاه تاریخی و مذهبی در جامعه ایرانی، از طریق ایجاد شاهنشاهی ملی و تبارسازی ایرانی (پیوند تبار خویش به شاهان ایران باستان)، همچنین کوشش برای ترویج و تبلیغ دین و کسب اذن روحانیون و عالمان دین، درصدد

تحکیم و تقویت جایگاه شهریاری و بنیاد پادشاهی خویش برآمدند و این مفاهیم را در مسکوکات خویش بازتاب دادند.

پیشینه پژوهش

با این‌که کتاب‌ها و مقالات بسیاری در خصوص سکه‌های دوره قاجاریه نگاشته شده‌است؛ اما بیشتر به توصیف مسکوکات پرداخته شده و تحلیل و تطبیق نوشتار روی سکه‌ها مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. شاید دلیل اصلی آن نیز اتخاذ رویکرد صرف توصیفی توسط پژوهشگران بوده و کمتر در کنار بررسی مسکوکات، منابع تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است. برای نمونه؛ محمد مشیری (۱۳۴۹) در مقاله «معرفی چند سکه از دوره قاجار» به بررسی نقش سه سکه مربوط به دوره فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار پرداخته است. در کتاب‌های عمومی سکه‌شناسی که توسط صاحب‌نظرانی همانند سید جمال ترابی طباطبایی (۱۳۵۰) و لویی رابینو (۱۳۵۳) تألیف شده‌اند، به اجمال سکه‌های دوره قاجاریه نیز معرفی شده‌اند. داریوش شهبازی فراهانی (۱۳۸۰) درکتاب «تاریخ سکه (دوره قاجاریه)»، که پژوهشی در نوع خود ارزشمند است، بیشتر تأکید بر ذکر نوشتار روی سکه و واحدهای پولی این دوره کرده و در خصوص منشاء نوشتاری روی سکه‌ها بررسی بایسته‌ای انجام نداده است. مصطفی فرهمندپور (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد به بررسی «نظام ضرابخانه‌ها و مسکوکات عصر قاجار» پرداخته؛ اما به تحلیل و تطبیق سکه‌ها اشاره‌ای نکرده است. سید مهدی موسوی (۱۳۹۳) در کتاب «سکه‌های ماشینی قاجار» با رویکردی تخصصی به بررسی ابعاد، اوزان و نقش و نوشتار سکه‌های ماشینی این دوره پرداخته؛ اما به سایر مسکوکات ضربی- چکشی اشاره نکرده است. مهسا شهیری‌پور (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «مطالعه نقوش و خطوط سکه‌های عهد قاجار» به معرفی نوشتار و نقوش سکه‌های این دوره پرداخته است. آرزو ایروانی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خویش به «بررسی تطبیقی وجوه تصویری نقوش سکه و تمبر در دوره قاجار» پرداخته است. زینب آزمون و راهب عارفی (۱۳۹۴) در کتاب «نگاهی به تاریخ قاجاریه بر اساس سکه‌ها و مدال‌ها» به معرفی ضرابخانه‌ها و سکه‌های ضربی یا چکشی دوره قاجاریه و واحدها و اوزان رایج در این دوره پرداخته است. در این اثر، بخش محدودی از سکه‌ها مطالعه شده‌است. سید رضا حسینی (۱۳۹۹) نیز در کتاب

«واحدهای پولی ایران در عصر قاجار» که جدیدترین تألیف در مورد سکه‌های دوره قاجاریه است، صرفاً به واحدهای مالی این دوره پرداخته و به نوشتار و شعائر مذهبی اشاره‌ای نکرده است. در میان پژوهشگران خارجی، پریسیلا سوسک (۲۰۰۱) در مقاله «مسکوک قاجارها: نظامی در گذار پیوسته»، آگاهی‌هایی درباره حرکت ضرب سکه‌های چکشی به ماشینی، به‌کارگیری نقوش شاهان قاجار و اطلاعات کلی در خصوص سکه‌های ایران ارائه داده است. مایکل ای. بونین (۲۰۱۶) در کتاب «اسکناس‌های بانک شاهنشاهی ایران: تحلیلی از یک سیستم پیچیده با کاتالوگ» به بررسی نظام اقتصادی دوره قاجاریه و معرفی اسکناس‌های این دوره پرداخته است. درباره دوره‌های پیش از قاجاریه نیز پژوهش‌هایی انجام شده‌است که با وجود تفاوت مقطع زمانی، به‌خاطر شیوه و رویکرد تحلیلی آن‌ها، چند مقاله درخور ذکر است ازجمله؛ جهانبخش ثواقب و همکاران (۱۳۹۵) «روند دگرگونی نقوش و شعائر مذهبی بر روی سکه‌های دوره صفوی»؛ جواد موسوی دالینی (۱۳۹۸) «سیر تحول مضامین و شعائر مذهبی بر سکه‌های دوره افشاریه (۱۱۴۸–۱۲۱۰ ق.) و سیاوش امرایی و جهانبخش ثواقب (۱۳۹۸) «سنت‌گرایی و نوآوری در نقوش سکه‌های افشاریه». با توجه به نمونه پژوهش‌هایی که نام برده شد، رویکرد پژوهش پیش رو، که هدف آن بررسی تطبیقی، ریشه‌یابی و تدقیق در فهم انگیزه دگرگونی و فراز و نشیب شعائر مذهبی و شعارهای مرتبط با سلطنت روی سکه‌های دوره قاجاریه است، با پژوهش‌های انجام گرفته پیشین متفاوت است.

شعائر مذهبی و عناوین سیاسی بر سکه‌های قاجاریه

با نگاهی به سیر دگرگونی شعائر مذهبی و نوشتار روی سکه‌ها در دوره اسلامی این نکته آشکار می‌شود که خواندن خطبه و ضرب سکه به‌عنوان نخستین کنش در اعلان پادشاهی و آغاز استقلال حکومت‌ها انگاشته می‌شد. حکومت‌ها در آغاز از نمادها، شعائر و نوشتار دولت پیشین بهره می‌بردند؛ گرچه اندکی پس از برپایی تشکیلات حکومت و دستیابی بر ضرابخانه، شعائر جدیدی بر پایه رویکرد و اندیشه غالب سلسله جدید در جامعه شکل می‌گرفت. در دسترس و همگانی بودن سکه‌ها، ارزشمندی آن‌ها را برای پادشاهان به‌نحو چشم‌گیری افزایش می‌داد. قاجارها نیز پس از پایان حکومت آقا محمدخان، شعائر و نوشتار روی سکه‌ها را متأثر از حضور خویش قرار دادند. پژوهش و بررسی شعائر مذهبی روی سکه در

دوره صفویه نشان می‌دهد که انگیزه آن‌ها ترویج مذهب و اظهار مهرورزی به ائمه (ع) بود (ثواقب و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۰، ۷۳، ۷۴). دوره افشاریه و به‌ویژه دوره نادر، سیاست بهره‌مندی از ظرفیت آگاهی‌بخش تبلیغ ملی‌گرایی و حفظ کیان ایران در کانون توجه قرار گرفت (ر. ک: موسوی دالینی، ۱۳۹۸: ۱۶۷–۱۶۸؛ امرایی و ثواقب، ۱۳۹۸: ۱۲۲–۱۲۳). دوره کریم‌خان زند، سیاست او از آغاز تا پایان به‌عنوان وکیل‌الرعایای ایران بر بزرگداشت و بازتاب شعار صاحب‌الزمان به‌عنوان شعار اصلی روی سکه‌ها متمرکز شد و جانشینان او نیز این شعار را ادامه دادند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۳: ۲۶۹– ۲۷۰). دوره قاجاریه ترکیبی از شعائر مذهبی و تأکید بر شأن پادشاهی بر روی سکه‌ها نقر شد. گفته گدار که «نام شاه یا امیر ناحیه را بر روی سکه‌ها در دوره اسلامی به خاطر غرور و خودپسندی انسانی» می‌داند (گدار، ۱۳۷۷: ۴۷۵) گرچه جنبه کلی داشته و پادشاهان ایران دوره اسلامی را دربرمی‌گیرد؛ اما با دقت در نوشتار سکه‌های شاهان قاجار بیشتر مصداق دارد. با توجه به اینکه ضرابخانه نماد حکومت پادشاهی بود و گاهی ضرابخانه نقش تعیین مرز را داشت (مته، ۱۳۹۶: ۲۶۴) ؛ بنابراین باید تفکرات و دیدگاه شاهان قاجار را روی آن‌ها جستجو کرد. بیشتر شعائر و نوشتار مسکوکات دوره آقا محمدخان با رویکرد حفظ سنت گذشته و غالباً تکرار شعائر دوره زندیه بوده‌است. دلیل این سنت‌گرایی را می‌توان با کوتاه بودن دوره فرمانروایی و همچنین حضور او در دربار زندیه مرتبط دانست. با این وجود به‌کارگیری بسیاری از شعائر مذهبی روی سکه‌های این دوره همچون دوره‌های پیشین یک رویه بوده‌است. قاجارها مانند سلسله‌های پیشین دارای راهبرد و اصول محوری در نقر شعار و نقوش روی سکه‌ها نبودند. با توجه به اینکه شریعت پایه و اساس مکتب سیاسی اسلام است (لمبتون، ۱۳۸۵: ۴۲) و در اندیشه ایرانشهری، شاه سایه خدا روی زمین بود و پادشاهی در ایران جبنه مذهبی داشت، بنابراین در دوره قاجاریه فقها و علما می‌بایست به پادشاه اذن سلطنت می‌دادند. این موضوع در دوره صفویه (همان، ۶۵۸) و در دوره قاجاریه نیز لازمه مشروعیت سلطنت بود (الگار، ۱۳۶۹: ۱۰۳). از طرفی اخذ مشروعیت و کسب اذن علما برای شاهان قاجار که صبغه و جایگاه مذهبی در ایران نداشتند، از نظر برخی علما قابل قبول نبود. برخی منابع و به‌ویژه سفرنامه‌نویسان که در این دوره به ایران سفرکرده‌اند به این نکته اشاره دارند. گروته می‌گوید قاجارها «در نظر مردم و روحانیت، سلسله‌ای غاصب به‌شمار می‌رود که

خون حضرت علی (ع) و فاطمه (س) در رگ‌هایشان جریان ندارد» (گروته، ۱۳۶۹: ۲۴۵). پولاک نیز اشاره کرده «طبقه‌ای از روحانیون وجود دارد که شاه را فرمانروای برحق نمی‌دانند. به اعتقاد آن‌ها فقط اعقاب پیغمبر مستحق رسیدن به مقام خلافت‌اند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۹۹).

از سویی، نظام پولی قاجارها همان نظام پولی صفویه بود (مته، ۱۳۹۶: ۲۵۵). شاید به‌خاطر همین هم‌سویی، آن‌ها برخی شعائر مذهبی دوره صفوی را ادامه دادند (ثواقب و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۴، ۸۱، ۸۲). قاجارها برای قوام و پایدار کردن حکومت خویش، به‌وسیله‌ی برخی مورخان نسب تیموری و صفوی برای خود مطرح کردند؛ با این‌که بنیاد فکری آن‌ها و صفویان با هم متفاوت است. صفویان بیشتر به تشکیلات و طریقت صفوی معتقد بودند و از آغاز تا پایان به آرمان خود تأکید داشتند؛ ولی قاجارها زمانی برای مشروعیت‌بخشی به حکومت خویش نسب به صفویان و گاهی نیز نسب خود را به ترکستان می‌رساندند (محمودمیرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۳؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۷؛ شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۵۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۳۴۴/۳) با ذکر شجره‌نامه‌ای که قاجارها را از نژاد قراجار نویان پدر چهارم امیر تیمور صاحبقران می‌داند (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۷). به‌نقل دنبلی، طایفه قاجار از جملهٔ ایل و الوس بلاد ترکستان و با انتساب به قاجارخان، مشهور به طایفه قاجارخانی بوده‌اند (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۹). او که از فتحعلی شاه به خاقان کشورستان تعبیر می‌کند، سلسله سلطنت او را به قاآن‌بن چنگیزخان پیوند می‌دهد و می‌گوید چون یکی از اجداد وی با دختری از قاآن‌بن چنگیزخان ازدواج کرد، از این جهت طایفه او موسوم و مشهور به قاآنلو شدند (همان، ۲۰؛ نیز ر. ک. سپهر، ۷–۸). شاهان قاجار، به‌جز آقا محمدخان، چون خاندان سلطنتی از ایل قاجار بود، بر ذکر کلمه قاجار بر روی سکه‌ها تأکید داشتند و این عنوان روی سکه‌های آنان آمده است (ر. ک. پولاک، ۱۳۶۸: ۳۳۲). همچنین به ارتباط آنها به آق‌قویونلوها و از آن طریق به تُرک‌بن یافث‌بن نوح اشاره شده‌است (فتحعلی شاه قاجار، ۱۳۸۷: ۴۲). خورموجی گوید طایفه قاجار از اجله اتراک دشت قبچاق، در شجاعت و دلاوری و شیوه شریعت‌گستری، به طریقه اثناعشری، مشهور آفاقند (خورموجی، ۱۳۴۵: ۳).

مورخ عصر ناصری، نسب قاجارها را به اشکانیان و پیش از اسلام پیوند می‌دهد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۱۰–۱۳۰۸: ۱۵۴–۱۵۷). البته این موضوع در دوره فتحعلی شاه با انتخاب نام فرزندان او (داراب میرزا، ایرج

میرزا، منوچهر میرزا، کیقباد میرزا، شاپور میرزا، کیخسرو میرزا...) مطرح شده‌است (خاوری، ۱۳۸۰: ۱۰۹۲-۱۱۲۷). به‌کارگیری عناوینی چون شاهنشاه ایران و... بر روی سکه‌ها و همچنین قیاس شاه قاجار با شهریارانی چون انوشیروان در سنگ‌نبشته‌های نقوش برجسته چشمه‌علی شهرری بیانگر تلاش قاجارها برای پیشینه‌سازی و مشروعیت‌بخشی به قدرت حاکمیتی خویش است. در این سنگ‌نبشته‌ها و نقوش برجسته، فتحعلی شاه با الهام از نقوش برجسته پادشاهان ایران دوره باستان به الگوبرداری پرداخته است؛ که در آن کارگزاران دربار قاجار (فرزندان شاه) با محوریت فتحعلی شاه بر روی تخت شاهی نشسته است (در این باره ر. ک. اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۲۲۱۷/۴؛ فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۱۳). در یکی از این سنگ‌نبشته‌ها، که نقش خاقان نام دارد، و تصویر آن در مرآه‌البلدان آمده، سروده‌هایی از میرزا محمدتقی علی‌آبادی متخلص به صاحب‌دیوان وجود دارد که به‌صورت اغراق‌آمیز به مدح و ستایش شاه می‌پردازد.

چون مصور نقش شاهنشه طراز سنگ کرد / آفتاب ز آسمان بر دست بوس آهنگ کرد
شاهنشاهان خان ایران خسرو صاحبقران / آنکه چون نوشیروان زنجیر عدل آونگ کرد
مغربان فتحعلی‌شاه آنکه اندر گیرودار / قهر او بر شهریاران ملک گیتی تنگ کرد...
(ر. ک. اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۲۴۶۴/۴).

در قصر مجلل سلیمانیه که توسط فتحعلی شاه بنا شد، در گوشه‌ای از تالار بزرگ آنکه محل بار عام بود، تصویر بزرگی از فتحعلی شاه همراه با صفوف منظمی از پسرانش در طرفین او، بر روی گچ نقاشی شده بود. در گوشه دیگر سالن، نقاشی دیگری وجود داشت که آقا محمدخان را در بین رؤسای قبایلی که به او در رسیدن به تخت سلطنت یاری کرده بودند، نشان می‌داد (شیل، ۱۳۶۸: ۵۶).همچنین دیوان شهنشاه‌نامه صبا از فتحعلی خان کاشانی متخلص به صبا بر وزن شاهنامه فردوسی در ارتباط با فتحعلی شاه و فرزندان او سروده شده‌است (ر. ک. اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۲۵۳-۲۵۴). ساروی در تاریخ محمدی به تکرار از واژگانی مانند ساسانی سان (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۹۴)؛ سریر دارا (همان، ۱۲۲)؛ گودرز گرز (همان، ۱۱۲)؛ حضرت جمشید مقام (همان، ۹۹)؛ فریدون‌فر، شکوه و شیده شاپوری، آرایش اردشیری، فر فرخزادی، عدل نوشیروانی (همان، ۱۴۴) و از این قبیل به کار برده است. چنان‌که دنبلی درباره

فتحعلی شاه، عبارات خسرو جهاندار، اعلیحضرت جمشیدشوکتِ دارا درایتِ اسکندر رایت را به کار برده است (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۲).بنابراین مشروعیت‌سازی قاجارها که در منابع به آن پرداخته‌شده است تا اندازه‌ای با نقوش و نوشتار روی سکه‌های آن‌ها هم‌خوانی دارد. قاجارها به‌دنبال تأیید تبار پادشاهی خویش بودند. به‌کارگیری فراوان واژگان: دارالخلافه، کشورستان، شاهنشاه، خاقان، السلطان الاعظم، الملک لله، ذوالقرنین، صاحبقران، السلطان بن السلطان و الخاقان افخم بر روی سکه‌های این دوره به‌وفور ضرب شده‌است. هرچند این شعائر و نوشتار با کنش و کارکرد شاهان قاجار هم‌خوانی ندارد، به‌هرروی به کار بردن این شعائر می‌تواند دلالت صحیحی در راستای مشروعیت‌طلبی سیاسی و مذهبی آن‌ها باشد. به‌نظر می‌رسد استفاده از واژگان ملی‌گرایانه در راستای خلاء برآمده از تبار شاهانه و تثبیت قدرت آن‌ها باشد. استفاده از عبارات مذهبی روی سکه‌های این دوره می‌تواند نشانه ادامه رویه متعارف گذشته ضرابخانه‌های ایران در به‌کارگیری شعائر مذهبی باشد. اما تأکید سه بار از واژه سلطان و الخاقان «سلطان بن سلطان بن سلطان» بر روی برخی مدال‌ها و یا سه بار «الخاقان بن الخاقان بن الخاقان»(۱) ، شاهنشاه ایران، العزه لله، ایّدالله سلطنته، خلدالله ملکه، بعون‌الله و... بر روی سکه‌ها و مدال‌ها نشان از دغدغه و نگرانی قاجارها از مسئله مشروعیت در جامعه ایرانی برای حفظ تاج و تخت شاهی آن‌ها دارد. ازاین‌رو، شاهان قاجار با آگاهی تاریخی از جایگاه حکومت ریشه‌داری چون صفویه در نزد افکار عمومی، تلاش برای نسب‌سازی و سهیم دانستن خود در سلطنت ایران داشتند. موارد گفته شده می‌تواند دلیلی برای همسان و همتاسازی شاه قاجار با پیشوایان سیاسی و مذهبی گذشته ایران باشد که برای تحکیم و حفظ بنیان پادشاهی خویش انجام داده‌اند. تأکید قاجارها بر این‌که افزون بر خویش، پیشینیانشان نیز از پادشاهی و تبار ایرانی برخوردار بوده‌اند، از نگرانی آنها در سرنگون‌سازی دودمانی ایرانی، زندیه، نیز نشأت می‌گرفت که ناگزیر شدند برای سرپوش گذاشتن بر این موضوع، در صدد نسب‌سازی و ارتباط دادن خویش به صفویان و بستن لقب شاهنشاه ایران به خود برآیند. ازاین‌رو، بسیاری از شعائر و نوشتار روی سکه‌ها گرچه به شیوه‌ای همسان بر روی سکه‌های ایران دوره اسلامی ضرب شده‌اند؛ اما نوع واژگان و دغدغه آن‌که تاج و تخت شاهان قاجار مورد تائید الهی است و آن‌ها میراث‌دار پادشاهی ایرانی هستند، موجب تمایز قاجاریه با سلسله‌های پیشین ایرانی است.

همچنین سجع مُهرهای پادشاهان قاجار نیز بر مضامین مذهبی و تقویت اندیشه شهریاری ایرانی تأکید دارد. سجع مهر آقا محمدخان «افوض امری الی الله عبده محمد» برگرفته از بخشی از سوره غافر آیه ۴۴ است که رویکردی کاملاً مذهبی دارد (فراستی، ۱۳۸۰: ۱۶۴). نکته مهم‌تر آن است که واژه‌هایی مانند العزه لله، الملک لله، فلک‌فَر، بعون‌الله، دُر دریای خسروی و مؤیدالله، به‌عنوان بخشی از مضمون مُهرهای پادشاهان قاجار، نشان از مشروعیت‌طلبی و تداوم اندیشه شهریاری ایرانی در دربار آن‌ها دارد. شاید مهم‌ترین وجه سجع برخی مهره‌ای شاهان قاجار آن است که اقتدار پادشاه ایرانی به شکل بارزی بر روی آن‌ها بازتاب داده شده‌است. به‌طوری‌که محمدشاه، بر روی یکی از مُهرها، خود را نگین‌بخش پادشاهان ترک و تازی می‌داند. «نگین‌بخش ملوک ترک و تازی / ملک سلطان محمدشاه غازی» (همان، ۱۷۲). بنابراین برتری شاه ایران بر شاهان ترک و تازی می‌تواند مؤید آن باشد که اشاره شاهان قاجار در مواردی به ترک بودن (ذکاء، ۱۳۴۴: ۱۴) آنها متأثر از تعلق‌خاطر ایلیاتی قاجارها به قبیله و زبان مادری آن‌ها بوده و به حاکمیت و ملیت ارتباطی نداشته‌است. همچنین در سجع مُهری از ناصرالدین‌شاه، وی انوشیروان ساسانی را الگوی خود در عدالت می‌داند. «ناصرالدین‌شاه عادل خسرو صاحب قران / آفتاب دین و دولت ثانی نوشیروان» (همان، ۱۷۸). بنابراین جریان تداوم اندیشه شهریاری ایرانی و مذهب در مهره‌ای شاهان این دوره به شکل روشنی بازتاب یافته است. بااین‌وجود، شعائر و نوشتار روی سکه‌های این دوره را می‌توان بازتابی از شعائر و نوشتار دوره‌های پیشین دانست که به‌دلایل گوناگون در این دوره تکرار شدند. در ادامه به روش توالی تاریخی، از آقا محمدخان قاجار به‌عنوان بنیان‌گذار این سلسله تا پایان این دوره، به مهم‌ترین شعائر و نوشتار روی سکه‌های آن‌ها پرداخته می‌شود.

آقا محمدخان (۱۲۱۱-۱۱۹۳ ه. ق)

آقا محمدخان، به‌تعبیر دنبلی خاقان مغفور (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۲-۳۰) بنیان‌گذار سلسله قاجار برای تثبیت حکومت خویش و بنابر آیین کشورداری که در دوره صفویه شکل گرفته بود می‌بایست مقبولیت مذهبی را با سلطنت خود همراه سازد. سلسله‌های افشاریه و زندیه هر دو فاقد ویژگی‌های مذهبی و وابستگی به ائمه بودند؛ بنابراین از همان آغاز کار آقا محمدخان تاج و تخت نادر را نپذیرفت (الگار، ۱۳۶۹: ۸۱).

او در سال ۱۲۱۰ ه. ق. در دارالخلافه تهران مجلسی با حضور بزرگان قاجار و رجال دربار و علما و فقها برگزار کرد و بر تخت جلوس کرد و تاج مرواریدنشان بر سر نهاد و دستور داده شد به‌نامش خطبه خوانند و سکه زنند (دنبلی، ۱۳۸۳: ۳۰؛ ساروی، ۱۳۷۱: ۲۸۳–۲۸۴؛ محمودمیرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۷۳؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۴۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۴۳۲؛ لنجانی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۷۹–۸۰؛ شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۶۳) به‌روایتی، افسر و جیقه و مسندی مختصر ترتیب داد که در دولت قاجار به یادگار ماند (خاوری، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۱) و شمشیری که از آرامگاه شاه اسماعیل صفوی آورده بودند به کمر بست (ملکم، ۱۳۸۳: ۵۴۳؛ مارکام، ۱۳۶۴: ۲۹؛ نفیسی، ۱۳۶۴: ۱/ ۶۷) و از این طریق پیوند سیاسی و مذهبی با صفویان برقرار کرد. از بستن این شمشیر دریافت می‌شد که باید در تقویت و حمایت مذهب شیعه که از دوره صفویه در ایران تحکیم یافته بود به کار رود (ملکم، ۱۳۸۳: ۵۴۴). با این وجود مورخان اشاره کرده‌اند که آقا محمدخان تاج کیانی بر سر نهاد و بازوبندهای الماس موسوم به دریای نور و تاج ماه را بر بازو بسته و زنار مروارید هیکل ساخته(۲) بر تخت جلوس کرد (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۸۴؛ لنجانی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۸۰؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۴۳۲؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۴۹؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۱/ ۷۹). پیش از آن سر هارد فورد جونز در دیدار با لطفعلی‌خان زند مشاهده کرده که الماس دریای نور به بازوبند وی چسبیده بوده‌است (جونز، ۲۵۳۶: ۲۲). به‌نقل خاوری پس از دستگیری لطفعلی‌خان و انتقال او به تهران و کشته شدنش، دو قطعه الماس میراث پدری سلطان سعید، موسوم به دریای نور و کوه نور و بعضی جواهر نفیس دیگر به آقا محمدخان رسید (خاوری، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۰؛ نیز سپهر، ۱۳۷۷: ۷۱/۱). سپهر آشکارا گفته که آقامحمدخان تاج کیانی را بر سر و شمشیر جهان‌گشا بر میان بست و به رسم و سنت سلاطین باستان به تخت نشست (سپهر، ۱۳۷۷: ۷۹/۱). فتحعلی شاه قاجار در سروده‌های خویش به قدرت رسیدن آقا محمدخان را به سانِ زنده شدن انوشیروان ساسانی می‌داند: همانا نوشیروان زنده شد / که بیخ ستم از جهان کنده شد (محمود میرزا قاجار، ۱۳۴۶: ۱۴).

به‌نظر می‌رسد روایت درست، الگو قراردادن حکومت صفوی در ساختار سیاسی و اداری قاجارها باشد؛ چراکه رفتار آقا محمدخان قاجار در شکنجه دادن شاهرخ نادری برای به‌دست آوردن خزائن نادری که به مرگ شاهرخ انجامید باعث رسوایی شاه قاجار شد (درووِیل،۱۳۷۰: ۲۴۹؛ ملکم، ۱۳۸۳: ۵۴۵؛ مارکام،

۱۳۶۴: ۲۹). البته مورخان عصر قاجار غالباً به شکنجه اشاره نکرده‌اند؛ بلکه اشاره دارند که آقا محمدخان کسی را به استقبال شاهرخ شاه و میرزا مهدی از افاضل مشهد که همراهش بود فرستاد و آنها را در محضر خویش اذن نشستن داد. شاهرخ چند قطعه جواهر را به او پیشکش کرد. سپس در راه انتقال به مازندران، شاهرخ مریض شد و از دنیا رفت. (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۸۷–۲۸۸؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۳۰؛ خاوری، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۱؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۵۰؛ لنجانی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۸۱؛ خورموجی، ۱۳۴۵: ۹؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۱/ ۸۱). به‌روایت دیگر، «تمامی خزینه و جواهر ثمینه و لآلی آبدار و دراری شاهوار نادرشاه افشار که در تصرف شاهرخ میرزا پسر نادر بود» به آقا محمدخان رسید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۴۳۳/۳؛ محمودمیرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۷۶). هرچند سپهر می‌گوید چون شاهرخ از دادن خزائن خودداری کرد از او به زحمت و تعب و به شکنجه و رنج طلب کردند تا تمام جواهرات نادری را داد (سپهر، ۱۳۷۷: ۸۱/۱). آقا محمدخان مقبره نادری را که کلاً از سنگ رخام مرمر و مشحون به انواع زینت و شکوه بود، از روی حس انتقام با خاک یکسان کرد و استخوان‌های نادر و کریم‌خان را به خون‌خواهی پدر و جد خویش، در معبر کریاس خلوت نمازخانه واقع در دارالخلافه تهران دفن کرد که زیر پایش باشند و بر آنها راه رود. با وجود این همه بغض، خاوری گوید که چنان معقولیت داشت که در ایام حیات شاهرخ شاه، نام سلطنت و تاج دولت بر سر نگذاشت، پس از مراجعت از خراسان، به این‌کار اقدام کرد (خاوری، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۱). اما سپهر می‌گوید تأخیر در تاج‌گذاری به‌خاطر این بود که می‌خواست کل کشور را مسخر کند تا این‌که کسی بیرون از فرمان او نباشد که مخالفت کند. چون به مراد دست یافت به این امر اقدام کرد (سپهر، ۱۳۷۷: ۷۹/۱) از طرفی رستم‌الحکما، آقا محمدخان را سلطان محمدشاه الموسوی الصفوی یادکرده و تبار او را از سوی پدر صفوی و از طرف مادری قاجار می‌داند (آصف، ۱۳۵۲: ۶۳). درجایی دیگر می‌گوید بدون شک محمدحسن‌خان فرزند شاه سلطان حسین صفوی و مادرش دختر حسین‌قلی‌خان قاجار بوده‌است (همان، ۲۴۰). در دوره کوتاه‌مدت آقا محمدخان به‌عنوان بنیان‌گذار سلسله قاجاریه، مسکوکات فراوانی ضرب گردید؛ اما مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» از ضرب سکه‌های ضرب شده در دوره وی اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و می‌گوید: «تاکنون من سکه‌هایی از او ندیده و نشنیده‌ام. باید گفت اگر هم سکه زده باشد منحصر به‌روزهای تاج‌گذاری و جلوس او به سلطنت

و برای شگون بوده‌است» (مستوفی، ۱۳۸۸: ۱۱). با نگاهی به مسکوکات ضرب شده در دوره آقا محمدخان چنین به‌نظر می‌رسد که بسیاری از این سکه‌های ضرب شده تحت‌تأثیر ویژگی مسکوکات دوره زندیه است. حضور او در ساختار سیاسی و اداری دولت زندیه، عدم استقرار تشکیلات سیاسی و اداری در دوره کوتاه‌مدت وی مانع انجام تغییرات بنیادی در ضرابخانه‌های این دوره گردید؛ بنابراین بسیاری از مسکوکات ضرب شده در زمان وی بر الگوی دوره سکه‌های زندیه ضرب شده‌اند. این رویه و رویکرد بر پایه حفظ سنت‌های گذشته و بیشتر بازگویی شعائر دوره زندیه است.

تا زر و سیم در جهان باشد سکه صاحب‌الزمان باشد (Poole, ۱۸۸۷: ۱٤۳)

بزر سکه از میمنت زد قضا بنام علی بن موسی‌الرضا (Ibid, ۱٤۳)

شد آفتاب و ماه زر و سیم در جهان از سکه بحق صاحب‌الزمان «یا محمد» ضرب خوی (تصویر شماره ۱)



تصویر شماره ۱

(https://www.zeno.ru/showphoto.php?photo=۲٦۰۷۳٤)

«یامحمد» نوشته‌شده روی سکه‌ها همانند: نوشتار «یاکریم» روی سکه‌های دوره زندیه است. نویسنده «سفینه‌المحمود» به‌نقل از سروده‌ای از فتحعلی شاه، این ایهام و قیاس را نوعی مشروعیت‌بخشی برای بزرگ جلوه دادن آقا محمدخان أشکارا بیان می‌کند: دو محمد در جهان پیدا شد از ترک و عرب هریکی را داد حق از لطف نوعی سروری (محمود میرزا قاجار ، ۱۳۴۶: ۱۳)

شعار لا اله الا الله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله، ازجمله شعائر روی سکه‌های حکومت‌های دوره میانه تا دوره قاجاریه است که به‌صورت ثابت توسط ضرابخانه‌ها مورداستفاده قرار گرفته است. در دوره

قاجاریه تنها بر روی سکه آقا محمدخان و فتحعلی شاه وجود دارد. ظاهراً از قالب سکه‌های دوره صفویه الگوبرداری شده‌است.

(https://hcr.ashmus.ox.ac.uk/coin/hcr۱۸۲٤٦)

(https://hcr.ashmus.ox.ac.uk/coin/hcr۱۸۷۸۸)

(موزه آشمولین: انگلیس،۲۰۲۰)

بزر زد سکه از الطاف سرمد شه والاگهر سلطان محمد (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

لفظ سلطان که سال‌ها در دوره زندیه استفاده نمی‌شد، دوباره از سوی آقا محمدخان ضرب شد. الفاظ یا واژه‌های «یا عزیز»، «یا الله»، «الملک لله» و «یا علی» برای نخستین بار بر روی سکه‌های آقا محمدخان ضرب شده‌است (همان‌جا).

بر زر و سیم تا نشان باشد سکه صاحب‌الزمان باشد

(https://hcr.ashmus.ox.ac.uk/coin/hcr۱۸٤۹۰)

الحمدلله رب العالمین (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۱۱). الملک لله (همان‌جا).

در دوره زمامداری آقا محمدخان هرچند کوتاه‌مدت بود و بیشتر بر الگوی سکه‌های دوره زندیه به ضرب سکه پرداخته شد؛ اما نوآوری‌هایی در ضرب سکه‌ها رخ داد. برپایه سکه‌های ضرب شده در ضرابخانه‌های ایران، فقط سال ضرب سکه نوشته می‌شد. در دوره او زمان برخی مناسبت‌های مذهبی که اعیاد مذهبی در آنها واقع شده روی سکه ضرب شد. نوشتن تاریخ (ماه ضرب) به زبان عربی (مناسبتی) که در ضرابخانه‌های ایران سابقه نداشته در این دوره رواج یافت (Poole, ۱۸۸۷: ۱۴۴). به‌کارگیری شعائر متعدد در دوره کوتاه فرمانروایی آقا محمدخان و به‌خصوص واژگان: والاگهر و سلطان روی سکه می‌تواند از نخستین نشانه‌های بایسته برای هویت‌بخشی به پادشاهی او و شاهان آینده قاجار باشد. با وجود این‌که آقا محمد خان در آغاز تشکیل حکومت خویش صفویان را الگو قرارداد، اما در عمل شعائر رایج دوره زندیه در دوره وی تکرار شد. هرچند علما اغلب نقش عمده‌ای در امور ایفا نمی‌کردند (الگار، ۱۳۶۹: ۸۵)؛ شاید بسیاری از شعائر روی سکه‌های آقا محمدخان به‌خاطر محدود بودن دوره زمامداری و متأثر از نظر شخصی او باشد.

فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۱ ه. ق)

دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار با آغاز تحولات جدید، ارتباطات با غرب و تثبیت قدرت قاجارها هم‌زمان شد. در این دوره برخی از رویه‌های ضرب سکه دچار تغییر و تحول شد و شیوه ضرب آن‌ها با دوره گذشته و حتی با مسکوکات ضرب شده دوره آقا محمدخان دچار تغییر و دگرگونی شد. هرچند این تفاوت دارای روش خاصی نیست و اصولاً بسیاری از شعائر و نوشتار دوره‌های گذشته در این دوره تکرار شد. شعائر مذهبی روی سکه‌های دوره فتحعلی شاه در مقایسه با دوره زندیه و حتی زمان آقا محمدخان کاهش یافت. حروف روسی بر روی برخی سکه‌های این دوره رواج یافت (ترابی، ۱۳۵۰: ۲۹۱). با توجه به اینکه نفوذ روزافزون روس‌ها در ایران پس از جنگ‌های ایران و روس اتفاق افتاد، بنابراین انگ (سورشارژ) حروف روسی بر روی سکه‌ها پیش از جنگ‌های ایران و روس، شاید به‌خاطر نقش و جایگاه دارالسلطنه تبریز و رونق مراودات تجاری با غرب و روسیه باشد. در تأیید این موضوع این‌که آقا محمدخان نیز بر روی سکه‌های روسی انگ (سورشارژ) زده است (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۱۲). ادعای تبار شاهی برای قاجارها و به‌کارگیری عنوان ایل قاجار از سکه‌های فتحعلی شاه آغاز می‌شود (Poole, ۱۸۸۷: ۱۵۲). فتحعلی شاه چنان دلبستگی به ایل خود داشت که کاخی تفریحی (ییلاقی) در نزدیکی تهران ساخت و نامش را تخت قجر یا قصر قجر (قاجار) نام نهاد. منازل این قصر آیینه‌کاری و نقاشی‌هایی شامل تصویر چندتن از شجاعان ایران داشت (فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۱۲؛ دروویل، ۱۳۷۰: ۱۶۸؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۷۲). در قصر نگارستان نیز تصاویری نقاشی کرد که در یکی از آنها شاه بر روی تخت نشسته و پسرانش دور او قرار گرفته‌اند و تصاویر شخصیت‌های اروپایی نظیر گاردان و ملکم و کلیه امرای درجه اول برای تشریفات حضور دارند (فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۱۲). او سکه‌هایی را با نام «السلطان بن السلطان فتحعلی شاه قاجار» ضرب کرد. چنان‌که در سال ۱۲۴۱ ق. به مناسبت ورود به دومین قران سلطنتش (پس از سی سال اول) بر درهم سکه صاحبقرانی با عبارت: سکه فتحعلی‌شه خسرو صاحبقران، و بر دینار، سکه فتحعلی‌شه خسرو کشورستان، ضرب کرد (سپهر، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۶۳). میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی در شعری هر دو شعار را هجو می‌کند: سکه صاحبقرانی بر

شما آمد نکرد (میمون نبود) / باز آن بیهوده سلطان‌بن سلطان شما (نفیسی، ۱۳۶۴: ۲/ ۲۲۰؛ شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

عنوان صاحبقران ظاهراً با زمان تولد شاه و این‌که وی در قران عظمی و به‌خصوص در قران سعدین متولد شده و یا این‌که پادشاهی وی از ۳۰ سال بگذرد مرتبط می‌باشد. اندیشه صاحب‌قرانی قائل شدن وجهی معنوی برای پادشاهان و صاحبان فضل و هنر بوده که در مواردی به غیر پادشاهان نیز اشاره داشته‌است. نظامی عروضی، رودکی را صاحبقران شاعری می‌داند (صفا، ۱۳۶۹: ۱/ ۳۷۶). هرچند برای نخستین بار به‌صورت فراگیر به‌عنوان لقب تیمور در منابع آمده است (شامی، ۱۳۶۳: ۱۵–۱۷)؛ اما برای سایر امیران تیموری نیز این عنوان به کار گرفته شده‌است (همان، ۴۴). البته پیش از دوره تیموری نیز این عنوان استفاده شده‌است (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶: ۱۴۴). در دوره صفوی (ثواقب و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۱)؛ و افشاریه (موسوی دالینی، ۱۳۹۸: ۱۶۸) نیز بر روی سکه‌ها استفاده شده‌است. شاید مهم‌ترین ویژگی اندیشه صاحب‌قرانی، آن است که صاحب این عنوان، الگوی کامل و موفقی است که بسیاری از ویژگی‌های مثبت را در خود داشته‌است؛ بنابراین اندیشه صاحب‌قرانی وجه کوچکی از اندیشه شهریاری ایرانی است که تأثیر آن در تفکر و دربار قاجاریه همانند دوره صفویه و افشاریه ادامه داشته‌است.

ادعای سلطان‌بن سلطان فتحعلی شاه در حالی است که پدرش (حسینقلی‌خان جهان‌سوز) عنوان سلطنت نداشت. از سویی، آقا محمدخان نیز عموی او به‌شمار می‌رفت. بنابراین ادعای پادشاهی او در راستای مشروعیت‌بخشی به خویش و حکومت محلی گذشته آن‌ها که هم‌زمان با دوره افشاریه و زندیه در استرآباد (گرگان) استقرار داشتند، بود. با این کنش، دربار قاجار خود را در پادشاهی ایران سهیم می‌دانست. با این‌که برخی مورخان کوشیده‌اند سلطنت قاجارها را از ترکان آق‌قویونلو و برخی، از زمان فتحعلی‌خان قاجار آغاز کنند (برای نمونه، ر. ک. سپهر، ۱۳۷۷: ۱/۱۱–۱۸، ۲۹–۳۳ و ۳۵)؛ اما این نکته درست نیست (نفیسی، ۱۳۶۴: ۱/ ۳۹ و ۴۳). فتحعلی شاه از عنوان سلطان‌بن سلطان فتحعلی شاه قاجار به همراه شیر خوابیده، بر روی پرچم استفاده کرد (دروویل، ۱۳۷۰: ۲۷۸). نقش خاتم او چنین بود: گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی / قرار در کف شاه زمانه فتحعلی (محمودمیرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۱۱۷). آقا

محمدخان به‌عنوان بنیانگذار سلسله قاجار از نام ایل خود روی سکه استفاده نکرد و این موضوع بیشتر به‌خاطر نگرش ایلیاتی فتحعلی شاه بود که تا پایان این سلسله با تغییراتی تداوم یافت. ضمن این‌که در دوره محمد شاه به‌جای واژه قاجار، عنوان شاهنشه بر روی سکه‌ها ضرب شد و در دوره پادشاهان بعدی از این عناوین به صورت توامان استفاده شده‌است. بررسی مضمون و محتوی شعائر و نوشتار روی سکه‌های دوره فتحعلی شاه نشان می‌دهد که سیر حرکت و جریان شعائر مذهبی در این دوره دچار تغییرات چشمگیری شده‌است. با وجود اینکه حکومت فتحعلی شاه مذهبی بود و هدف او این بود که خود را در نظر علما به‌عنوان یک پادشاه دین‌دار نشان دهد (الگار، ۱۳۶۹: ۸۷–۸۸) و به‌تعبیر خویش، «نخست احیای مراسم شریعت غرّا و ابقای قواعد ملّت بیضا، سردفتر روزنامه دولت و اقبال ساخته، در رونق و رواج و اصلاح مزاج دین و ملت جهدی بلیغ و جدی موفور مبذول» داشت و زمام مردم را به دست ائمه اسلام نهاد و در همه کشور مساجد و مدارس و معابد برپا داشت و عالمان و مجتهدان را به ارشاد مردم گماشت (فتحعلی‌شاه قاجار، ۱۳۸۷: ۵۳)، حتی تکلیف جهاد که تا زمان جنگ‌های ایران و روس معطل مانده بود دوباره احیا شد و او عنوان مجاهد فی‌سبیل‌الله یافت و در ایام او در حفظ بیضه اسلام، مجاهدین دین مبین با کفار و مخالفان به پیکار برخاستند (همان، ۵۴–۵۵)؛ اما شعائر مذهبی بر روی سکه‌ها روندی کاهشی داشته‌است. در این دوره محور اصلی نوشتار روی سکه‌ها خودستائی پادشاه و تقویت پادشاهی و تاج و تخت اوست. شاید نقر تصویر فتحعلی شاه و محمد شاه روی سکه‌های این دوره که بر روی تخت طاووس نشسته‌اند، بارزترین شیوه توجه و تأکید بر شأن سلطنت در دوره قاجاریه باشد (تصاویر ۲ و ۳).



(تصویر۲)



(تصویر ۳)

تصویر ۲: فتحعلی‌شاه قاجار نشسته بر تخت طاووس ۱۲۴۵ ق.

تصویر ۳: محمدشاه قاجار نشسته بر تخت سلطنت ۱۲۵۴ ق.

(موزه دیوید کپنهاک،۲۰۲۱ انجمن سکه شناسی آمریکا،۲۰۲۰)

http://mm.davidmus.dk/assets/665/coin_large/15-24__C128_obv22.png

http://numismatics.org/collectionimages/19001949/1922/1922.211.947.obv.width17.□□□

کارکرد و پیامدهای تحولات سیاسی، اقتصادی و... دربار قاجاریه نشان می‌دهد که به‌کارگیری واژگانی مانند الملک لله، خسرو کشورستان، شاه شاهان و غیره، روشنگر دوگانگی کنش و شعار دوره فتحعلی شاه است. چراکه کارکرد کشورداری فتحعلی شاه در برابر تهاجم روسیه و جدایی بخش‌هایی از قلمرو سرزمینی ایران و بسیاری دیگر از اقدامات سیاسی، اقتصادی دربار وی با شعائر استفاده‌شده هم‌خوانی ندارد؛ بنابراین اظهار ارادت او به علما ادعایی بیش نبود (الگار، ۱۳۶۹: ۱۲۵). با وجود تضاد بین مذهب تشیع و سلطنت آن‌هم قاجاریان که همچون صفویان دارای پیوند و ریشه مذهبی در تشیع نبودند، او توانست رابطه شایسته‌ای با روحانیت و امور مربوط به سلطنت برقرار کند. همانند دیگر بخش‌های اجتماع، عملکرد مذهبی فتحعلی شاه بر جنبه‌های غیرمذهبی مستولی بود؛ اما نوع واژگان مرتبط با

مذهب و سلطنت روی سکه‌ها حاکی از توجه بیشتر به موضوع سلطنت است. با توجه به این‌که مطلوب‌ترین وظیفه شاه آن است که به‌عنوان عامل اجرایی مجتهدان عمل کند (همان، ۱۰۳)؛ شعائر غازی، دارالخلافه و الملک لله و...، در به کار بستن اذنی است که مجتهدان و علما به پادشاه قاجار اعطا کرده‌اند. در رسالات افتایی که علما در جریان جنگ ایران و روس صادر کردند، شاه اسلام‌پناه را غازی فی سبیل‌الله خواندند و مجادله با کفره روسیه را جهادی بی‌اکراه دانستند. در رسالات دو تن از علما آشکارا این مطلب آمده بود که «امروز پادشاه اسلام، نایب امام و برگزیده فقهای ذوی الاحترام [است] و محاربات با روسیه ظلام جهادی بی‌شایبه» (خاوری، ۱۳۸۰: ۲۹۵) از سویی، مورخان از او به خاقان کشورگشا یا کشورستان، شاهنشاه مؤیّد، اعلیحضرت خاقانی (دنبلی، ۱۳۸۳: ۴۲– ۴۸)، اعلیحضرت ظل‌اللهی (همان، ۵۰ و ۵۲)، خاقان گیتی‌ستان و خسرو صاحبقران، خسرو کیکاوس عَلَم سکندرکوس، شاهنشاه معدلت‌گستر و شهریار عدالت‌پرور (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۷۴) تعبیر کرده‌اند. چنان‌که در محاصره نادرمیرزا افشار در قلعه مشهد مقدس، «نظر به خلوص اعتقاد خسرو پاک‌دین به ائمه معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین برای پاس حرمت بقعه رضویه به تصور اضرار اهالی آن روضه عرش آستان، اشارت به تسخیر حصار نفرمودند» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۵۱–۵۲). او با نقر شعائر مذهبی روی سکه‌ها، خود را در مسیر خواست دینی علما قرار داده است. این در حالی است که تناقض دستگاه سلطنت و مذهب فراوان در این دوره یادآوری شده‌است (الگار، ۱۳۶۹: ۱۲۷، ۱۷۱، ۱۹۶).

لا اله الا الله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله السلطان باباخان (Poole, ۱۸۸۷: ۱٤۹). این شعار یکی از شعائر مذهبی رایج در دوره صفویه بود که در سلسله‌های بعدی با اندکی تفاوت در قالب آنها استفاده شده‌است؛ اما در برخی از سکه‌های دوره فتحعلی شاه عیناً همان قالب و نوشتار دوره صفوی تکرار شد (تصاویر ۴ و ۵).



(تصویر۴)



(تصویر۵)

تصویر ۴: روی سکه دوره سلیمان اول صفوی ۱۱۰۴ ه. ق و تصویر ۵: روی سکه، دوره فتحعلی شاه ۱۲۳۲ ه. ق.

https://hcr.ashmus.ox.ac.uk/coin/hcr۱۸۷۸۸

&https://hcr.ashmus.ox.ac.uk/coin/hcr۱۸۲٤٦

با این وجود، شعائر مذهبی «لا اله الا الله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله» که در حکومت‌های پیش از دوره قاجاریه با هر گرایش سیاسی و مذهبی روی سکه‌ها ضرب می‌شد؛ در دوره فتحعلی‌شاه به‌بعد در ضرابخانه به کار گرفته نشد. السلطان فتحعلی شاه العزه لله (ترابی، ۱۳۵۰: ۲۹۸). بر روی سکه‌های دوره فتحعلی شاه از شعائر «العزه لله» روی سکه استفاده شده که از آیه قرآنی «اَیَبتَغون عِندَهُم العِزَّهَ فَاِن *العِزَّهَ لِلّه* جمیعاً»(نساء/۱۳۹) آیا عزّت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با این‌که همه عزّتها از آن خداست؟ برگرفته شده و به این نکته اشاره دارد که اقتدار و عزت دولت او از طرف خداوند ارزانی شده‌است. البته آیات مشروعیت‌بخش به حکومت‌ها نظیر آیه ۲۶ سوره آل عمران، پیشتر حتی در دوره هلاکوخان مغول نیز روی سکه‌ها استفاده شده‌است.



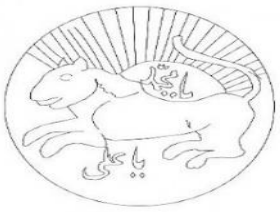
تصویر ۶: العزه لله السلطان فتحعلی شاه

(https://hcr.ashmus.ox.ac.uk/coin/hcr١٨٥١٦)

سکه فتحعلی شه خسرو صاحبقران (ترابی، ۱۳۵۰: ۲۹۷). سکه بزر آمده شاهی از فتحعلی الملک لله ضرب دارالسلطنه طهران (همان، ۲۹۰). الملک لله– العزه لله (Poole, ١٨٨٧: ١٤٨).

در برخی منابع و روایات اسلامی اشاره شده که نقش روی انگشتری امام علی (ع) «الملک لله» (حر عاملی، ۱۳۷۴: ۷۸) بوده‌است؛ بنابراین شاید در دوره فتحعلی شاه با این نگاه این شعار بر روی سکه به کار گرفته شده باشد. چنان‌که کاربرد شعار «اسدالله‌الغالب» (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۲۲) نیز ناظر به توجه او به امام علی (ع) بوده‌است. السلطان بن سلطان فتحعلی شاه قاجار (Poole, ١٨٨٧: ١٦٤). سکه فتحعلیشه خسرو کشورستان (Ibid, ١٥٧ ؛ شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۲۲). السلطان بن السلطان فتحعلی شاه قاجار یا الله. ضرب مشهد امام‌رضا علیه‌السلام (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۴۱). شاه شاهان جهان فتحعلی (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۲۲).بهره‌گیری از شیروخورشید نیز در این دوره رایج شد. گرچه سابقه به‌کارگیری شیر در هنر ایران که نماد پادشاهی و قدرت بود به‌پیش از اسلام برمی‌گردد؛ اما در دوره اسلامی به‌صورت شیر و خورشید بر روی سکه‌ها دیده می‌شود. نقش شیروخورشید در اوایل دوره قاجاریه به‌شکلی کاملاً ناهمسان بر روی سکه‌ها، نشان‌ها و پرچم‌ها ظاهر شد. فتحعلی شاه، به تقلید از لژیون دو نور فرانسه، نشان شیر و خورشید ایرانی را در ۱۲۲۲–۱۲۲۵ به‌وجود آورد تا به دیپلمات‌ها و مقامات فرانسوی و انگلیسی اعطا کند (شاپور شهبازی، ۱۳۸۸: ۵۴۱). به این ترتیب ایران دارای پرچمی رسمی با نشان شیروخورشید شد (برای کاربرد این نشان بر روی

پرچم ایران، ر. ک. همان: ۵۳۷–۵۴۳). او به مأموران روسی شرکت‌کننده در مذاکرات ترک مخاصمات نیز نشان سلطنتی شیروخورشید اعطا کرد (درووِیل، ۱۳۷۰: ۱۶۷). این نقش در برخی بناها و صنایع و تمبرهای پست ایران نیز دیده شده‌است(برای نمونه‌ها، ر. ک. نفیسی، ۱۳۲۸: ۷۸). شاید بتوان شیروخورشید را تجلی پیوند دین و دولت در دوره قاجار دانست. ازآن‌جایی‌که شیروخورشید نماد ملی ایران بود (فووریه، ۱۳۸۵: ۹۱)، و با توجه به این‌که بر پایه منابع تاریخی، شیر استعاره از امام علی (ع)(۳) و خورشید استعاره از پیامبر (ص) است؛ شاید نوعی تغییر ارتباط کلامی با بیننده باشد که هم دربرگیرنده قدرت شاهی است و هم بازتابی از مقدس‌ترین پیشوایان مذهبی جامعه اسلامی (تصویر شماره ۷).



تصویر ۷: طرح سکه پانصد تومانی دوره آقا محمدخان قاجار

https://www.kavehfarrokh.com/news/the-lion-and-sun-motif-of-iran-a-brief-analysis/

محمدشاه قاجار (۱۲٦٤-۱۲۵۰ ه. ق)

پس از مرگ فتحعلی شاه در سال ۱۲۵۰ ه. ق محمد میرزا پسر عباس میرزا و نوه فتحعلی شاه قاجار به قدرت رسید. دوره زمامداری کوتاه او از جنبه نقش و شعائر مذهبی روی سکه‌ها تغییراتی صورت گرفت. به‌نظر می‌رسد بسیاری از نوشتار و شعائر دوره او متأثر از شعائر و نوشتار روی سکه‌های گذشته است. شاید ویژگی برجسته نوشتار روی سکه‌های دوره محمدشاه قاجار شعار «شاهنشه انبیاء محمد» است که بر بزرگی عظمت پیامبر در میان انبیاء اشاره دارد و از طرفی ایهام به نام محمدشاه قاجار نیز دارد؛ که با این شیوه در پی کسب مشروعیت و به‌نوعی اشاره به موضوع ظل‌اللهی در اندیشه شهریاری

ایران‌زمین دارد. این شیوه ضرب سکه یادآور سکه‌های دوره کریم‌خان زند، صادق‌خان، علی‌مرادخان در دوره زندیه و آقا محمدخان است که به‌ترتیب از شعائر: «یا کریم»، «یا امام صادق»، «یا علی» و «یا محمد» بر روی سکه خود به کار می‌بردند. این روش در سکه‌های ناصرالدین‌شاه به‌عنوان «هو ناصر» استفاده شده‌است. اگرچه ممکن است شعار شاهنشه انبیاء محمد روی سکه‌ها واکنشی در برابر بدعت بابیه باشد که نبوت را نفی می‌کردند (الگار، ۱۳۶۹: ۲۱۵). با این همه، سال‌ها پیش در دوره فتحعلی شاه، هنری مارتین کشیش انگلیسی در رساله خود دیدگاهی در مورد نبوت همانند بابیه داشته‌است (همان، ۱۶۸). در این دوره و در ایام صدارت حاجی میرزا آقاسی کوشش‌هایی در جهت تمرکز و تقویت دولت انجام شد (همان، ۱۹۳).

شاهنشه انبیاء محمد (Poole, ۱۸۸۷: ۱۷۷). فلوس رایج ممالک محروسه محمد شه و ایران (Ibid, ۱۸۵). السلطان بن السلطان محمد شاه غازی (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۳۸). یا هو (همان‌جا).

لطف حق تا که در جهان باقیست سکه صاحب‌الزمان باقیست (همان‌جا).

با وجود محدود شدن قدرت و نفوذ علما در دوره محمد شاه (الگار، ۱۳۶۹: ۹۳)؛ برخی سکه‌های این دوره متأثر از صدارت و نفوذ میرزا آقاسی صدراعظم محمدشاه دارای الگوی درستی از ویژگی سکه‌های شیعی هستند. مستوفی از محمد شاه جز در مورد قتل قائم‌مقام از دین‌داری، مهربانی، خداترسی و عادل بودن او یاد می‌کند. در این دوره، سکه پول سیاه صد دیناری که در شیراز آن را ممدی (محمدی) می‌گفتند رایج شد (مستوفی، ۱۳۸۸: ۵۱). در این دوره روی برخی سکه‌ها، از جمله «یاهو» استفاده شده که به‌خاطر درویش‌مسلکی و اندیشه صوفیانه صدراعظم شاه قاجار است. از طرفی رعایت الگوی کامل ویژگی شعائر مذهبی متأثر از آموزه‌های شیعی روی سکه‌های دوره اسلامی در برخی مدال‌های این دوره دیده می‌شود که همچون دوره صفویه در حاشیه آن‌ها نام ائمه ذکر شده است و در مرکز آن، جمله «انا حجه‌الله و خاصته» نقر گردیده است؛ که بر پایه برخی روایات مهر حکومت حضرت مهدی (عج) روی زمین خواهد بود (امین، ۱۴۰۳: ۴۴). افزون‌بر این‌که پشت همین مدال همچون سکه‌های

دوره زندیه، با شعار: لطف حق تا که در جهان باقیست / سکه صاحب‌الزمان باقیست، به تکریم صاحب‌الزمان پرداخته شده است (تصویر ۸). ویژگی تزیین حاشیه با نام ائمه از مشخصه‌های مسکوکات دوره صفویه است که در دوره فتحعلی شاه تکرار شد و در دوره محمد شاه نیز دیده می‌شود.



تصویر ۸: شعائر شیعی روی سکه

از سویی، در دوره محمدشاه در ۱۲۵۲ ق. در نظامنامه‌ای که برای نشان شیروخورشید ایران چاپ کرده‌اند شکل و کارکرد انواع نشان‌های شیروخورشید تعیین شده و تعبیری ملی‌گرایانه از این نشان مطرح کرده‌اند. در مقدمه این نظامنامه مدعی شده که ایرانیان باستان خورشید را در صورت فلکی اسد به نشانه جایگاه عظیم‌الشأن ایران انتخاب کردند و نشان شیروخورشید تقریباً سه هزار سال قدمت دارد تا این‌که با آمدن اسلام پرستش خورشید منسوخ شد. اما به جهت این‌که ایران در اقلیم چهارم قرار دارد و خورشید نیز به اقلیم چهارم منسوب است، نشان شیروخورشید بلاتغییر باقی ماند (نفیسی، ۱۳۲۸: ۷۶؛ شاپورشهبازی، ۱۳۸۸: ۵۴۲).

ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۱٤-۱۲٦٤ ه. ق)

پس از محمدشاه حکومت قاجار به فرزند او ناصرالدین میرزا رسید. گسترش ارتباطات با کشورهای بیگانه و ظهور افرادی مانند امیرکبیر، که منشأ تحولات و اصلاحات بنیادی در ارکان سیاسی، اقتصادی

و... جامعه قاجار گردید، در دوران طولانی زمامداری ناصرالدین‌شاه روی داد. کشمکش همیشگی‌ای میان علما و دولت در دوره ناصرالدین‌شاه وجود داشت و از طرفی اختلاف روحانیون با همدیگر نیز ادامه داشت. باوجود این‌که ناصرالدین‌شاه همانند شاهان پیشین قاجار به‌ضرورت جلب نظر روحانیون برای اداره حکومت نیاز داشت. لمبتون بر این نکته تأکید دارد که در دوره قاجار نهاد دینی در مقابل دولت ایستاد و کاملاً در آن حل نشد. این موضوع تا حدودی با عملکرد دوره ناصرالدین‌شاه هم‌خوانی دارد (لمبتون، ۱۳۸۵: ۶۷۵). او توانست با گسترش نفوذ تدریجی مقامات اداری و تمهید بعضی از ترتیبات رسمی درباره املاک اوقاف از نفوذ روحانیان بکاهد و به‌عنوان نمونه ممتاز زمامداری مختار مطلق و درعین حال واجد سیاستی قرین اعتدال جلوه‌گر شود (کرزن، ۱۳۷۳: ۱/ ۵۱۳). او شاهنشاه یا شاه شاهان و ظل‌الله و قبله عالم، جم‌جاه، انجم سپاه، قدرقدرت و فلک‌صولت بود و مرور زمان نیز رأی طبقه روحانی و یا دلالت عناصر غیرمذهبی را بر او تحمیل نکرد (همان، ۵۶۶). رسم عمومی خطاب که حتی صاحبان عالی‌ترین مقامات نسبت به او به کار می‌بردند «تصدق قبله عالم گردم» بود (همان، ۵۲۶). ضرابخانه‌ها نیز متأثر از این‌دگرگونی‌ها شد؛ بنابراین در این دوره نوشتار مرتبط با سلطنت روی سکه در مقایسه با شعائر مذهبی افزایش یافت. سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ، به‌کارگیری و سفارش ضرب سکه از طرح مسکوکات خارجی و نیز بهره‌گیری از سکه‌های ماشینی، از جمله وجه تمایز این دوره با زمان شاهان پیشین قاجار است. کرزن شرحی از ضرابخانه دولتی و اقدام ناصرالدین‌شاه در آوردن ماشین‌های لازم سکه‌زنی از اروپا و سکه‌های رایج جدید به‌دست داده‌است (همان، ۶۱۲– ۶۱۳). با ایجاد بانک شاهنشاهی، در سال ۱۳۰۷ ق./ ۱۸۹۰ م. اسکناس‌های جدید با خط فارسی و علامت شیروخورشید در یک طرف و عبارت انگلیسی و عکس شاه در سمت دیگر با ارزش یک تومان تا هزار تومان منتشر گردید (همان، ۶۲۰). به‌جهت دوران طولانی سلطنت ناصرالدین‌شاه شعائر و نقوش فراوان و متنوعی در این دوره ضرب گردید. در این دوره بیشتر نوشتار و شعائر تکراری و در مواردی رویکرد و ویژگی خاصی را نشان نمی‌دهند. محور نوشتار روی سکه‌ها تقویت اندیشه و جایگاه پادشاهی و شهریاری در خاندان قاجاریه است. بسیاری از این شعائر و نوشتار جنبه نمادین داشته و درست به نظر نمی‌رسد. واژگانی چون: غازی، دارالخلافه، شاه شاهان و... در همین راستا مورداستفاده قرارگرفته است.

هرچند به‌دلیل دوران طولانی سلطنت وی، القاب «ذوالقرنین» و «صاحبقران» می‌تواند صحیح باشد. به نوشته مستوفی دو نفر از پادشاهان قاجار یعنی فتحعلی شاه و ناصرالدین‌شاه که بیش از ۳۰ سال سلطنت کردند، خسرو صاحبقران را به سایر القاب خود افزودند و سکه‌های صاحبقرانی زدند (مستوفی، ۱۳۸۸: ۳۹۸). در قدیم پادشاهانی که ۳۰ سال پادشاهی می‌کردند خود را ذوالقرنین می‌خواندند؛ زیرا هر ۳۰ سال یک قرن حساب می‌شد، همین‌که سی سال می‌گذشت خود را ذوالقرنین و صاحبقران می‌نامیدند (فتحعلی‌شاه قاجار، ۱۳۸۷: ۵۶؛ موسوی، ۱۳۹۳: ۳۱). در تاریخ عضدی از ناصرالدین‌شاه با این القاب یاد شده‌است: «شاهنشاه کیوان‌خدم و دارای اسکندرحشم، وارث دیهیم جم، مالک رقاب‌الامم، السلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن الخاقان، ناصرالدین‌شاه غازی، خسرو صاحبقران» (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۱۵).



تصویر ۹: جلوس سلطنت در سنه ۱۲۶۴ ضرب ایران

https://en.numista.com/catalogue/pieces٦٢١١١.html

شاید آنچه بر روی سکه‌های ناصرالدین‌شاه نوشته شد روشنگر رابطه واقعی موجود در جامعه بود تا رابطه میان روحانیت و سلطنت. چرا که دودستگی میان روحانیون، در انتقاد از حکومت و یا همراهی در اجرای سیاست‌های دولت قاجار فرصت لازم را برای اجرای بسیاری از برنامه‌های دربار قاجار در این

دوره فراهم کرد. شاهان قاجار جدای از آن‌که در باورهای مذهبی بنابر مصلحت سیاسی و جایگاه اجرایی خویش ناگزیر به رعایت شئون مذهبی بودند؛ برخی اقدامات مذهبی را در راستای منافع و منویات شخصی خویش برنامه‌ریزی کردند. به‌گونه‌ای که ترسیم نقش پادشاه بر روی سکه در دوره اسلامی به‌ندرت اتفاق افتاده است و این کنش خلاف مذهب بود. ناصرالدین‌شاه مدالی جواهرنشان از شمایل امام‌علی (ع) بر گردن خود آویخت (الگار، ۱۳۶۹: ۲۴۲)؛ و این‌کار شاید مجوزی برای بلامانع شدن و عدم مخالفت روحانیون در نقر تصاویر ناصرالدین‌شاه و دیگر پادشاهان قاجار روی سکه‌ها باشد. در سال ۱۳۰۶ ه. ق تندیس ناصرالدین‌شاه از طلا در میدان عمومی شهر قرار داده شد. علما به مخالفت برخاستند که نمایش سه بعدی انسان را اسلام منع کرده‌است. سرانجام تندیس را در گوشه باغ شاه نزدیک دروازه قزوین گذاشتند (همان: ۲۷۶– ۲۷۷). بنابراین نظر روحانیون درباره تصویر پادشاه که درگذشته به هر صورت منع شده بود دچار تعدیل‌شده و بحث تندیس سه بعدی پیش کشیده می‌شود و ظاهراً تصاویر معمولی نیمرخ و تمام‌رخ روی سکه مشکل شرعی نداشته‌است. در این دوره شعار مذهبی در مقایسه با دیگر مضامین روی سکه کاهش یافت. هرچند برخی شعار مذهبی برای نخستین بار به مناسبت‌های ویژه‌ای چون نیمه شعبان ضرب شده‌است.

هو الناصر (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۹۷). السلطان صاحبقران ناصرالدین‌شاه (موسوی، ۱۳۹۳: ۹۴). السلطان ذوالقرنین ناصرالدین‌شاه قاجار (همان، ۱۲۱). السلطان بن السلطان ناصرالدین‌شاه قاجار. ضرب ارض اقدس امام علیه‌السلام (https://hcr.ashmus.ox.ac.uk/coin/hcr۱۸۵۷٤). السلطان ناصرالدین‌شاه ۱۲۷۳ دارالخلافه (ترابی، ۱۳۵۰: ۳۰۶). ناصرالدین‌شاه قاجار ضرب مشهد الرضا ارواحنا فداه (همان، ۳۰۸). السلطان الاعظم و الخاقان الافخم ناصرالدین‌شاه قاجار (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۴۸؛ شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۹۳؛ Poole, ۱۸۸۷: ۱۹۸). شاه شاهان جهان ناصرالدین‌شاه مهرور (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۴۸). الملک لله. العزه لله. الملک لله تعالی. هو الغالب. هو الله تعالی. هو الناصر (همان، ۱۴۷). خلد الله ملکه و سلطانه (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۸۲). هوالله تعالی شانه بیادگار جشن همایون سال پنجاهم جلوس میمنت مأنوس ذات اقدس شهریاری بر اریکه سلطنت و تاج‌گذاری بمبارکی و سعادت و اقبال در دارالخلافه طهران ذیقعده ۱۳۱۳. روی سکه: السلطان بن السلطان بن

السلطان والخاقان بن الخاقان شاهنشاه ذوالقرنین ناصرالدین‌شاه قاجار (همان، ۲۹۷). ناصرالدین‌شاه غازی خسرو صاحبقران السلطان علی بن موسی ارضا علیه التحیه و الثنا (همان، ۲۸۹). یا صاحب‌الزمان علیه‌السلام (موسوی، ۱۳۹۳: ۸۴). السلطان علی بن موسی الرضا علیه التحیه و الثنا (https://en.numista.com/catalogue/pieces٦٢١١٦.html).

نوشتار و شعائر عصر ناصری باوجود پنجاه سال سلطنت او دارای نوآوری و ویژگی خاص و منحصربه‌فردی نیست. آنچه قابل‌توجه است برخی شعائر از نوشتار روی سکه‌های ایلخانی، افشاری و زندیه روی مسکوکات این دوره قابل رؤیت است. ارمغان فن‌آوری جدید و ایجاد دستگاه‌های سکه زنی، ضرابخانه را به بن‌بستی سوق داد که دیگر راهی برای نوآوری و پیدایش طرح‌های گوناگون روی سکه باقی نگذاشت؛ بنابراین انتقال سنت‌ها و الگوهای گذشته را که از طریق سکه به آینده منتقل می‌شد از بین برد. این نوشتار و نقوش روی سکه‌ها دارای الگوها و مفاهیمی بودند که پیام‌آور موضوعات ریشه‌داری از نسل‌های گذشته به آینده بودند. شاید بتوان گفت که دوره ناصری مسیر منتهی به بن‌بست ضرابخانه‌های ایرانی(۴) را نشان‌می‌دهد. برخی تصاویر و نقوش روی سکه‌ها و مدال‌های این دوره برای نخستین بار بر روی سکه‌ها ضرب شده‌است. نقش سرباز در حال شلیک توپ (تصویر ۱۰) (علاءالدینی، ۱۳۹۱: ۱۲) پادشاه بر روی تخت شاهی یا تخت طاووس (تصاویر ۲و۳)، نقش پادشاه با تاج شاهی و لباس نظامی (تصویر ۱۱)، سوارکار در حال شکار (تصویر ۱۲)، تصویر دو فرشته که تاج کیانی را بالای شیر و خورشید نگه داشته‌اند (تصویر ۱۳) (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۹۸) و از این قبیل، می‌تواند بیانگر قدرت شاهنشاهی و سلطنت قاجاریه باشد. تصویر فیل هرچند در دوره صفویه بر روی سکه‌ها وجود داشت (ثواقب و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰۲) اما نقش فیل‌سوار بر روی سکه‌ها می‌تواند در راستای اقتدار نظامی حکومت قاجار باشد (تصویر ۱۴). برخی نقوش جدید حیوانی بر روی سکه‌های این دوره از جنبه‌های مختلفی قابل‌بررسی و تأمل است. نقش عقاب دوسر در دوره ناصرالدین‌شاه باوجود این‌که نقش عقاب زرین در دوره هخامنشی نماد درفش ایرانیان بوده‌است (نیرنوری، ۱۳۴۴: ۲۹)؛ در دوره قاجاریه تصویر به‌شکل عقابی دو سر ظاهر شده‌است (تصویر ۱۵). از طرفی عقاب دو سر در ایران دوره اسلامی بر روی پارچه‌ای از دوره دیلمیان استفاده شده‌است (پوپ، ۱۳۸۴: ۹۸). تأثیر

گسترش ارتباطات و مراودات تجاری ایران و روسیه بر روی سکه تجلی پیدا کرد. در مقاطعی بر روی روبل‌های روسی، نماد شیروخورشید فلوس‌های دوره قاجاریه سورشارژ شده‌است (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۰



تصویر ۱۱



تصویر ۱۲



تصویر ۱۳



تصویر ۱۴



تصویر ۱۵



تصویر ۱۶

(تصاویر شماره : ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶ وب‌سایت موزه و کتابخانه ملک / مجموعه‌ها / سکه و نشان / دوره قاجار)

از طرفی دیگر، عقاب دو سر اکنون نماد ملی کشور روسیه است. البته جنبه قرینه و زیبایی‌شناسی می‌تواند دلیلی دیگر برای استفاده از چنین نقوشی باشد. وجود سکه‌های ضرب شده در دوره قاجاریه که دو پرنده پشت‌به‌پشت هم و همچنین دو شیر پشت‌به‌پشت هم نقش شده‌اند این دلیل را تقویت می‌کند (علاءالدینی، ۱۳۹۱: ۹۶– ۱۵۰). ظاهراً روس‌ها در بارفروش سکه‌های طلا و نقره را سالیانه ذوب می‌کردند و مقدار زیادی پول مسکوک روس به ایران وارد می‌شد که در ضرابخانه‌های شاه تبدیل به پول رایج کشور می‌شد (مکنزی، ۱۳۵۹: ۹۸). در برخی از مناطق به‌ویژه نواحی مرزی دریای خزر، سکه‌های روسی شامل امپریال کامل، نیمه امپریال و دوکات‌های هلندی–روسی، در جریان بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۷۶). به‌نقلی ضرب سکه‌های طلای «باجاقلی» در دوره فتحعلی شاه بر اساس سکه طلای هلندی به‌نام «دوکا» بوده‌است که احتمال الگوبرداری ضرابخانه‌های این دوره از مسکوکات خارجی رایج در ایران را افزایش می‌دهد (شمیم، ۱۳۷۵: ۳۸۸). اعطای امتیاز و گسترش بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی به انگلیس و روسیه، سیاست و برنامه ضرابخانه‌های ایران دوره قاجار را تحت‌تأثیر خود قرارداد. تلاش دولت‌های انگلیس، روسیه و آلمان برای توسعه نفوذ فعالیت‌های بانکی می‌تواند مؤثر در

تغییر رویکرد نقش و نوشتار روی سکه‌های این دوره باشد. پولیاکف روسی در سال ۱۸۹۱ م. مجوز فعالیت بانک Banque des Prets را در ایران دریافت کرد که نهایتاً در سال ۱۹۰۲ م. به بانک استقراضی روس تبدیل شد. این بانک مجوز ضرب سکه داشت (عیسوی، ۱۳۸۸: ۵۴۲-۵۴۳). این دو بانک در دوره قاجاریه زمینه گسترش نفوذ در ارکان اقتصادی و مالی کشور را به‌وجود آوردند؛ تا جایی‌که بانک شاهنشاهی افزون‌بر اخذ امتیاز چاپ و نشر اسکناس توانست ضرابخانه‌های دولتی را زیر نظارت خود درآورد (کرزن، ۱۳۷۳: ۱/ ۶۲۰، ۶۲۱؛ شمیم، ۱۳۷۵: ۳۹۰). البته گسترش مراودات سیاسی، اقتصادی... با کشورهای اروپایی موجب اقتباس برخی جنبه‌ها و شئونات اداری آنها در ایران شد به‌گونه‌ای که شکل پارچه درفش‌های ایران از مثلث به مربع تغییر یافت (ذکاء، ۱۳۴۴: ۱۴). برخی مدال‌های دوره ناصرالدین‌شاه این تاثیرات را به روشنی نمایان کرده‌است (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶: مدال دوره ناصرالدین‌شاه

https://www.zeno.ru/showphoto.php?photo=۱۷۸۱۰۲.

مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۲٤-۱۳۱٤ ه. ق)

پس از مرگ ناصرالدین‌شاه، فرزند او مظفرالدین میرزا به حکومت رسید. در دوران ۱۱ ساله حکومت مظفرالدین شاه تغییرات چشمگیری در نقوش و شعائر روی سکه‌ها ایجاد نشد. بر روی سکه‌های ضرب شده همچنان شعائر و نوشتار سکه‌های دوره ناصرالدین‌شاه تکرار شد. بااین‌وجود برخی از مهم‌ترین

شعائر و نوشتار روی سکه‌های این دوره از این قرارند: السلطان مظفرالدین شاه قاجار (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۶۱). شاهی صاحب‌الزمان السلطان مظفرالدین شاه قاجار- یا صاحب‌الزمان علیه‌السلام (موسوی، ۱۳۹۳: ۱۳۷). مولود همایونی السلطان مظفرالدین شاه قاجار شاهنشاه ایران (همان، ۱۶۴). السلطان الاعظم و الخاقان الافخم مظفرالدین شاه (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۹۸). یکی از واژگانی که در دوره زندیه روی سکه‌ها استفاده نمی‌شد و پس از آقا محمدخان به شیوه‌های گوناگون بر روی سکه‌های شاهان قاجار ضرب شده واژه ایران و شاهنشاه ایران است. دلایل به‌کارگیری آن می‌تواند در راستای تقویت ملی‌گرایی، اتحاد و هم‌بستگی در برابر تهاجمات و تفرقه دولت‌های روسیه و انگلیس باشد. دبیر خاقان متخلص به نیّر در قصیده‌ای در مدح مظفرالدین شاه، او را در عدل، همسان با انوشیروان می‌داند. اکنون شاهنشه ایران مظفر شاه دین‌پرور که در بذل است چون قاآن و در عدل است نوشروان (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۶۴۸). از دوره مظفرالدین شاه به‌طور چشمگیری شعائر مذهبی روی سکه‌ها، که بیشترین نوشتار روی سکه را تشکیل می‌داد، کاهش پیدا کرد و نام پادشاه و عناوین او و نقش شیر و خورشید محور تزیین مسکوکات شدند. در عوض، بسیاری از شعائر مذهبی که در دوره‌های پیشین به‌صورت عادی روی سکه‌ها ضرب می‌شد، به‌تدریج منحصر به مناسبت‌های مذهبی شد.

محمدعلی‌شاه قاجار (۱۳۲٦-۱۳۲٤ ه. ق)

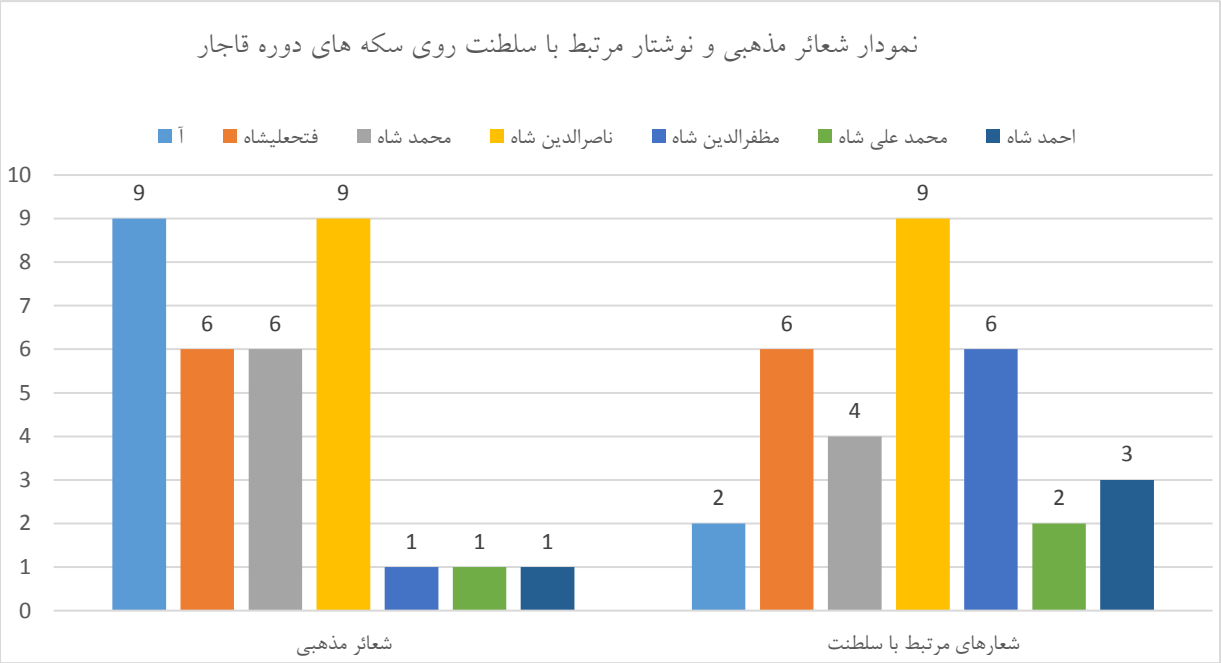
پس از مرگ مظفرالدین شاه، محمدعلی میرزا به سلطنت رسید. دوران کوتاه حکومت او که دوره استبداد صغیر نام گرفته مقارن با حوادث مشروطه‌طلبان و استبدادگرایان در ایران و به توپ بستن مجلس شورای ملی است. در این دوره، ضرب سکه به شیوه شاهان پیشین بوده و نوآوری خاصی ایجاد نشد. السلطان محمدعلی‌شاه قاجار (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۶۷). شاهی صاحب‌الزمان-یا صاحب‌الزمان علیه‌السلام محمدعلی‌شاه (موسوی، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

احمدشاه قاجار (۱۳٤٤-۱۳۲٦ ه. ق)

احمدشاه فرزند محمدعلی‌شاه، واپسین شاه سلسله قاجاریه است که سکه‌های زیادی از او برجای نمانده‌است. برخی از سکه‌های ضرب شده دوره وی بر سبک و الگوی سکه‌های شاهان پیشین قاجار ضرب شده‌است. السلطان احمدشاه قاجار شاهنشاه ایران (شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۷۱). یا

صاحب‌الزمان علیه السلام السلطان احمد شاه قاجار (همان، ۱۷۳). السلطان احمدشاه قاجار شاهنشاه ایران، السلطان الاعظم و الخاقان الافخم سلطان احمد شاه قاجار (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۰۶).شعار مذهبی یا صاحب‌الزمان به‌عنوان میراث دوره زندیه از دوره آقا محمدخان تا دوره احمد شاه قاجار بدون وقفه بر روی سکه‌های این دوره ضرب شده‌است. دوران کوتاه حکومت او و برنامه افزایش سکه‌های ماشینی که در دوره ناصرالدین‌شاه آغاز شده بود، موجب یکنواختی سکه‌های جدید، نبود تنوع سکه‌ها و حذف ضرابخانه‌های سنتی شد. موارد مذکور از دلایل کمی سکه‌های دوره احمد شاه است.

شعائر مذهبی و نوشتار مرتبط با سلطنت روی سکه‌های دوره قاجار		
آقامحمدخان	مذهبی	۱. یا صاحب‌الزمان؛ ۲. علی بن موسی الرضا؛ ۳. یا محمد؛ ۴. لا اله الا الله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله؛ ۵. یا عزیز؛ ۶. یا الله ۷. الملک لله؛ ۸. یا علی؛ ۹. الحمدلله رب العالمین.
	سلطنت	۱. والاگهر؛ ۲. سلطان.
فتحعلی شاه	مذهبی	۱. لا اله الا الله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله؛ ۲. العزه لله؛ ۳. الملک لله؛ ۴. یا الله؛ ۵. اسدالله الغالب؛ ۶. دارالخلافه.
	سلطنت	۱. السلطان؛ ۲. خسرو؛ ۳. صاحبقران؛ ۴. کشورستان؛ ۵. ایران؛ ۶. شاه (شه).
محمد شاه	مذهبی	۱. انبیاء محمد؛ ۲. صاحب‌الزمان؛ ۳. غازی؛ ۴. یا هو؛ ۵. دارالخلافه؛ ۶. یا علی انبیاء.
	سلطنت	۱. شاهنشه؛ ۲. ممالک محروسه؛ ۳. ایران؛ ۴. سلطان.
ناصرالدین‌شاه	مذهبی	۱. هو ناصر؛ ۲. السلطان علی بن موسی‌الرضا؛ ۳. یا صاحب‌الزمان؛ ۴. ارض اقدس امام‌رضا؛ ۵. دارالخلافه؛ ۶. غازی؛ ۷. الملک لله؛ ۸. العزه لله؛ ۹. هو الله تعالی.
	سلطنت	۱. صاحبقران؛ ۲. السلطان؛ ۳. شاه؛ ۴. ذوالقرنین؛ ۵. السلطان الاعظم ؛ ۶. الخاقان افخم؛ ۷. خلدالله ملکه؛ ۸. شاهنشاه؛ ۹. ایران.
مظفرالدین شاه	مذهبی	۱. یا صاحب‌الزمان.
	سلطنت	۱. السلطان؛ ۲. شاه؛ ۳. شاهنشاه؛ ۴. ایران؛ ۵. السلطان الاعظم؛ ۶. الخاقان الافخم.
محمد علی شاه	مذهبی	۱. صاحب‌الزمان.
	سلطنت	۱. السلطان؛ ۲– شاه.
احمد شاه	مذهبی	۱. صاحب‌الزمان.
	سلطنت	۱. السلطان الاعظم؛ ۲. الخاقان الافخم؛ ۳. سلطان.



نتیجه‌گیری

هم‌زمان با دوره قاجاریه فصل تازه‌ای از تغییر در شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... کشور به‌وجود آمد. موقعیت جغرافیایی و راهبردی ایران موجب شد تا در کانون تحولات جدید قرار گیرد و از ابعاد گوناگون جامعه و دولت تحت‌تأثیر نفوذ فزاینده غرب از راه ارتباطات تجاری و سیاسی قرار گیرد. سفر شاهان قاجار به فرنگ و گرایش آن‌ها به برخی تغییرات در ساختار اداری کشور، بستر لازم را برای نوآوری و کم‌رنگ شدن برخی سنت‌های گذشته فراهم کرد. هم‌زمان با ضعف و یا اقتدار پادشاهان قاجار، ضرابخانه به‌عنوان زیرمجموعه دولت تحت‌تأثیر تصمیم‌های آنها قرار می‌گرفت. هرچند با نفوذ کشورهای خارجی از راه ایجاد بانک‌ها و در حوزه داخلی با واگذاری برخی ضرابخانه‌ها به افراد عملاً

جایگاه دولت تضعیف می‌شد؛ اما به هر روی سلایق و نگرش کلی پادشاهان قاجار بر روی مسکوکات بازتاب می‌یافت. بررسی و مطالعه نمودار واژگان مرتبط با مذهب و پادشاهی روی سکه نشان‌می‌دهد که از دوره آقا محمدخان به‌عنوان بنیان‌گذار سلسله قاجار و میراث‌دار زندیان تا زمان احمدشاه قاجار، روند نقر شعار مذهبی روی سکه‌ها کاهشی است. در مقابل سیر شعارها و نوشتار مرتبط با سلطنت و حاکمیت تا دوره ناصرالدین‌شاه روندی افزایشی دارد. از دوره ناصرالدین‌شاه به‌بعد این جریان روندی کاهشی داشته‌است؛ هرچند این کاهش در مقایسه با شعائر مذهبی روی سکه‌های سه پادشاه اواخر قاجار روندی افزایشی دارد. بررسی نوشتار روی سکه‌ها نشان‌می‌دهد واژگان به کار گرفته شده در خصوص مذهب یا سلطنت در دوره سه پادشاه اخیر قاجار کاهش پیدا کرده‌است. این می‌تواند به دلایلی چون مشکلات اقتصادی و خالی بودن خزانه باشد که امکان ضرب سکه توسط ضرابخانه‌ها وجود نداشت و یا متأثر از تحولات فکری و سیاسی که با وقوع انقلاب مشروطیت رخ داد باشد. یافته‌های پژوهش نشان‌می‌دهد؛ که ارتباطات با غرب و اخذ مشروعیت سیاسی در افزایش شعارهای با محوریت سلطنت و همچنین تغییر رویکرد شاهان قاجار به سایر جنبه‌های تبلیغات مذهبی در کاهش شعار مذهبی روی سکه‌ها مؤثر بوده‌است. از طرفی دودستگی روحانیون، در وابستگی و یا ناسازگار بودن با دربار، مجال بایسته را برای نظارت درست روحانیون بر ضرابخانه‌ها بر پایه اصول مذهبی فراهم نکرد و بیشتر اراده و خواست شاهان بر ضرابخانه‌ها اعمال می‌شد.

پی‌نوشت:

[۱] . در تاریخ صاحبقرانی در معرفی فتحعلی شاه قاجار آمده است: برگزیده کردگاری . خلاصه شهریاری، زبده سلاطیم امم، بهتر و مهتر خواقین معظم، جام جهانیان و سلطان جهان، ملاذ عرب و عجم‌مآب خواقین مکرم، فخر شهریاران دوران و افتخار خسروان زمان، السلطان‌ین السلطان والخاقان‌بن الخاقان، ابوالنصر والظفر... (محمودمیرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۴). در *اکسیرالتواریخ* نیز در معرفی محمدشاه قاجار آمده است: السلطان‌بن السلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن الخاقان‌بن الخاقان، شاهنشاه یگانه، خدیو زمانه... (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۱۳).

[۲] . او «هیاکل مروارید و بازوبند طهمورث دیوبند و کمر اردشیر و سریر دریای نور و تاج ماه کیخسرو که زینت بازوی شاهنشاه بود بر خود مرتب نمود» (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۴۹).

[۳]. شعر مولانا: از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزّه از دغل

[۴]. قاجارها در این شهرها دارالضرب داشتند: آمل، ابوشهر، اردبیل، ارومیه، استرآباد، اصفهان، ایذه، ایران (طهران)، ایروان، بروجرد، بلخ؟، بندرعباس، بندر ابوشهر، بهبهان، بیار، پناه‌آباد، تبریز، توسرکان، حویزه، خوی، دربند، دولت‌آباد، رشت، رعنش، رکاب، زنجان، ساوج‌بلاغ، سرخس، سلطاناباد، سمنان، شکّی، شمّاخی، شوشتر، شیراز، طبرستان، طهران، فومن، قزوین، قم، کاشان، کرمان، کرمانشاه، گنجه، لاهیجان، مازندران، مراغه، مشهد، ملازگرد؟، ناصری (طهران)، نخوی، هرات، همدان و یزد (عقیلی، ۱۳۷۷: ۴۲۵).

منابع و مطالعات

قرآن مجید

آصف، محمدهاشم (رستم‌الحکما) (۱۳۵۲)، *رستم‌التواریخ*، به‌اهتمام محمد مشیری، تهران، سپهر.

اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۹۵)، *اکسیرالتواریخ*، به‌اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران، اساطیر.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران، دنیای کتاب.

_____ (۱۳۰۸-۱۳۱۰)، *درالتیجان فی تاریخ بنی الاشکان*، ج ۳، تهران، دارالترجمه دولتی.

_____ (۱۳۶۸)، *مرآه‌البلدان*، تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران.

الگار، حامد (۱۳۶۹)، *دین و دولت در ایران؛ نقش عالمان در دوره قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، چاپ دوم، تهران، توس.

افضل‌الدین کرمانی، احمدبن حامد (۱۳۵۶)، *عقدالعلی للموقف الاعلی*، محقق علی‌محمد عامری، تهران، روزبهان.

امرایی، سیاوش و جهانبخش ثواقب (۱۳۹۸)، «سنت‌گرایی و نوآوری در نقوش سکه‌های افشاریه»، *پژوهشنامه تاریخ اسلام*، ش ۳۴، دوره ۹، تابستان.

امین، محسن (۱۴۰۳ ه. ق) *اعیان‌الشیعه*، ویرایش حسن امین، ج ۲، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۴)، *شاهکارهای هنر ایران*، اقتباس و نگارش پرویز ناتل خانلری، تهران، علمی فرهنگی.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران، خوارزمی.

ترابی طباطبایی، سید جمال (۱۳۵۰)، *سکه‌های شاهان اسلامی ایران*، ج ۲، بی‌جا، نشریه شماره ۵ موزه آذربایجان شرقی.
ثواقب، جهانبخش؛ امرایی، سیاوش و شهاب شهیدانی (۱۳۹۵)، «روند دگرگونی نقوش و شعائر مذهبی بر روی سکه‌های دوره صفوی»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، س ۶، ش ۱۲، بهار و تابستان.
حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۴)، *تفصیل وسایل الشیعه*، ج ۵، چاپ سوم، قم، آل‌البیت.
خاوری، فضل‌الله بن عبدالنبی شیرازی (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴)، *حقایق‌الاخبار ناصری*، به‌کوشش حسین خدیوجم، تهران، زوار.
درووِیل، گاسپار (۱۳۷۰) *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران، شباویز.
دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه*، به‌کوشش فیروز منصوری، تهران، اطلاعات.
ذکاء، یحیی(۱۳۴۴)، «تاریخچه تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران از آغاز سده سیزدهم ه. ق تا امروز»، *هنر و مردم*، ش ۳۱.
رابینو، لویی (۱۳۵۳)، سکه‌های شاهان ایرانی: آلبوم سکه‌ها، نشان‌ها و مهره‌ای پادشاهان ایران، به‌اهتمام محمد مشیری، تهران، امیرکبیر.
ساروی، محمد فتح‌الله بن محمدتقی (۱۳۷۱)، *تاریخ محمدی «احسن‌التواریخ»*، به‌اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، امیرکبیر.
سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۷۷)، *ناسخ‌التواریخ*، به‌کوشش جمشید کیانفر، ج ۱، تهران، اساطیر.
سرفراز، علی‌اکبر؛ آورزمانی، فریدون (۱۳۸۳)، *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، چاپ سوم، تهران، سمت.
شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳)، *ظفرنامه شامی*، مقدمه و کوشش پناهی سمنانی، تهران، بامداد.
شریعت‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۰)، *سکه‌های ایران زمین*، تهران، پازینه.
شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۵)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، چاپ هفتم، تهران، مدبر.
شاپور شهبازی، عبدالله (۱۳۸۸)، «پرچم در ایران»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۵، تهران، بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
شهبازی فراهانی، داریوش (۱۳۸۰)، *تاریخ سکه (دوره قاجاریه)*، تهران، پلیکان.
شیرازی، عبدالوهاب‌بن علی (۱۳۹۱)، *نخبه‌الاخبار*، ضمیمه جنه‌الاخبار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
شیل، لیدی مری (۱۳۶۸)، *خاطرات لیدی شل*، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ دوم، تهران، نو.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، چاپ دهم، تهران، فردوس.
عضدالدوله، میرزا احمدخان (۱۳۷۶)، *تاریخ عضدی*، با توضیحات عبدالحسین نوایی، تهران، علم.
عقیلی، عبدالله (۱۳۷۷)، *دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی*، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
علاءالدینی، بهرام (۱۳۹۱)، *سکه‌های مسی ایران*، تهران، یساولی.
عیسوی، چارلز (۱۳۸۸)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، چاپ سوم، تهران، گستره.
فتحعلی شاه قاجار (۱۳۸۷)، ملوک‌الکلام، تحریر میرزا محمدتقی علی‌آبادی مازندرانی، تصحیح سعید میرمحمدصادق، در: *گنجینه بهارستان*، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
فراستی، رضا (۱۳۸۰)، «مهره‌ای شاهان قاجار»، *تاریخ معاصر ایران*، س ۵، ش ۱۷، بهار.
فلاندن، اوژن (۲۵۳۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ سوم، بی‌جا، اشراقی.
فووریه (۱۳۸۵)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، علم.
قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳)، *تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار*، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
کرزن، جرج ن. (۱۳۷۳)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چ ۴، تهران، علمی و فرهنگی.
گدار، آندره (۱۳۷۷)، *هنر ایران*، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
گروته، هوگو (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیلوند، تهران، مرکز.
لمبتون، آن. کی. اس، (۱۳۸۵) *دولت و حکومت در اسلام «سیری در نظریه سیاسی فقهای مسلمان از صدر اسلام تا اواخر قرن سیزدهم»*، ترجمه و تحقیق محمدمهدی فقیهی، چاپ سوم، تهران، شفیعی.
لنجانی اصفهانی، محمدحسن بن محمدرحیم(۱۳۹۱)، *جنه‌الاخبار (بخش تاریخ زندیه و قاجاریه)*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
مارکام، کلمنت (۱۳۶۴)، *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه میرزارحیم فرزانه، به‌کوشش ایرج افشار، بی‌جا، فرهنگ ایران.
مته، رودی (و دیگران) (۱۳۹۶)، *تاریخ پولی ایران از صفویه تا قاجار*، ترجمه جواد عباسی، تهران، نامک.
محمودمیرزا قاجار (۱۳۸۹)، *تاریخ صاحبقرانی: حوادث تاریخی سلسله قاجار (۱۲۴۸-۱۱۹۰ ق.)*، تصحیح نادره جلالی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

ـــــــــــ (۱۳۴۶)، *سفینه‌المحمود*، تصحیح و تحشیه عبدالرسول خیامپور، ج ۱، تبریز، تاریخ و فرهنگ ایران، شماره ۷.
مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸)، *شرح زندگانی من*، چاپ ششم، تهران، زوار.
مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹)، *سفرنامه شمال*، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران، گستره.
ملکم، سر جان (۱۳۸۳)، *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، سنائی.
موسوی، مهدی (۱۳۹۳)، *سکه‌های ماشینی قاجار*، تهران، پازینه.
موسوی دالینی، جواد (۱۳۹۸)، «سیر تحول مضامین و شعائر مذهبی بر سکه‌های دوره افشاریه (۱۲۱۰-۱۱۴۸ ق)»، *مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۴۰، بهار.
موزه و کتابخانه ملک، تهران.
ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۷۶) *تاریخ بیداری ایرانیان*، به‌اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، بخش اول، چاپ پنجم، تهران، پیکان.
نفیسی، سعید (۱۳۶۴)، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، چ ۵، تهران، بنیاد.
ـــــــــــ (۱۳۲۸)، *درفش ایران و شیروخورشید*، تهران، بی‌جا.
نیرنوری، حمید (۱۳۴۴)، *تاریخچه بیرق ایران و شیر و خورشید*، تهران، دانشگاه تهران.
- Poole, Reginald Stuart, lld (۱۸۸۷), *Coins of the Shahs of Persia*, London, British museum.
- https://www.zeno.ru
- http://hcr.ashmus.ox.ac.uk
https://en.numista.com-